

جنبش کارگری و سندیکایی  
در کشورهای در حال توسعه  
جنوب و جنوب شرقی آسیا

نویسنده : ناتالیا کارپوزوا

مترجم : ع. غ. رضا



نویسنده : ناتالیا کارپوزوا

جنبش کارگری و سندیکائی  
در کشورهای در حال توسعه  
جنوب و جنوب شرقی آسیا

مترجم : ع. غ. رضا

صوفیه - ۱۹۷۶

انتشارات ابوریحان

۱۳۶۰

---

انستینوی تحقیقاتی گنورگی دیمتروف برای مطالعات سندیکائی  
در شورای مرکزی سندیکاهای بلغارستان

انقلاب خیابان ابوریحان نبش مشتاق انتشارات ابوریحان تلفن ۶۶۲۰۸۴

---

- جنبش کارگری و سندیکائی در کشورهای  
درحال توسعه جنوب و جنوب شرقی آسیا
- نویسنده : ناتالیا کارپوزوا
- مترجم : ع. غ. رضا
- حق چاپ و نشر محفوظ است
- چاپ اول ۱۳۶۰
- بها : ۵۰ ریال





این درسنامه با برنامه دوره بین‌المللی تعلیم  
سندیکاالیست‌های آسیا، آفریقا و امریکای لاتین منطبق  
است. این درسنامه مسائل مربوط به مبارزه طبقه کارگر  
در جنوب و جنوب شرقی آسیا برای دستیابی و تحکیم  
استقلال ملی و بخاطر ایجاد سازمانهای سندیکائی و  
ردگیری فعالیتهای این سازمانها را مورد بحث قرار  
میدهد.

مطابق مفهوم جغرافیائی، تقسیم ناحیه کشور-  
های آسیای جنوبی و جنوب شرقی شامل هند،  
پاکستان، بنگلادش، سری لانکا، نپال، برمه، تایلند،  
مالزی، سنگاپور، اندونزی، فیلیپین، لائوس، کامپوچیا و  
ویتنام می‌شود. سه کشور اخیر تماماً مستثنا شده‌اند برای  
آنکه موضوع مطالعه متفاوتی هستند.

## جنبش کارگری و سندیکائی در کشورهای در حال توسعه جنوب و جنوب شرقی آسیا

تاریخ جنبش کارگری و سندیکائی در کشورهای در حال توسعه آسیای جنوبی و جنوب شرقی مثالهای متعددی به دست میدهد که در آنها مبارزه آزادیبخش ملی با نیروهای طبقاتی طبقه کارگر ترکیب شده است.

در دوره مبارزه به خاطر استقلال ملی ، عملکرد طبقه کارگر و سازمانهای آن ، علیرغم خصوصیت طبقاتیشان بامبارزه آزادیبخش ملی در آمیخت. بنابراین ، بعنوان مثال کنگره سندیکائی در برمه (۱۹۴۶)، شورای سندیکائی در مالایا (۱۹۴۶)، سازمان سندیکائی مرکزی - سوبسی - در اندونزی (۱۹۴۶)، کنگره سازمانهای کار-گران در فیلیپین (۱۹۴۵) و انجمن سندیکائی در بانکوک - تایلند (۱۹۴۴) (۱) یا شرکت فعال کمونیستها و روشنفکران چپ سهم بزرگی در تحکیم مواضع سیاسی طبقه کارگر در مبارزه آزادیبخش عمومی این کشورها داشته‌اند.

غالباً عملکرد طبقه کارگر و سازمانهای سندیکائی آن خصوصیت مستقلی داشتند و تغییرات قابل توجهی در جنبش آزادیبخش ملی وارد می‌کردند. یک نمونه در این خصوص کنگره سندیکائی سراسری هند (۲) (۱۹۲۰) و شرکت فعال آن در مبارزه به خاطر استقلال در سالهای ۳۰ قرن ما است .

بعلاوه ، تکامل جنبش کارگری و سندیکائی در کشورهای آسیای جنوبی و جنوب شرقی به مقیاس بزرگی تحت تأثیر ایجاد

جبهه‌های متحد ضد امپریالیستی قرار گرفت که در آنها تقریباً همه طبقات ، افشار و بخش‌های اجتماعی در جریان مبارزه آزادیبخش ملی بهم نزدیک میشدند . پاره‌ای اوقات مسائل مبارزه طبقاتی به دنبال دعاوی استقلال عقب نشینی میکردند .

اهمیت بزرگ پایه ریزی فدراسیون جهانی سندیکاها توسط سندیکا‌های پیوسته به‌آن، سندیکا‌های مترقی در هند، برمه ، اندونزی، مالایا و فیلیپین در ۱۹۴۵ برای تکامل جنبش کارگری و سندیکائی در این کشورها ثابت شد .

دوران پس‌از کسب استقلال سیاسی در جنبش کارگری و سندیکائی در آسیای جنوبی و جنوب شرقی تغییرات چشمگیری ایجاد کرد. طبقه کارگر و سندیکاها در مبارزه به خاطر پیشرفت اجتماعی ، موقعیت‌هایی بدست آوردند . در کشورهای تازه آزاد شده، سندیکاها نه‌تنها از لحاظ کمیت افزایش یافتند بلکه از جنبه‌سازمانی قویتر نیز شدند . آنها در مدت زمان نسبتاً کوتاهی با درک اینکه پیروزی جنبش ضد امپریالیستی به‌نحوی جدائی ناپذیر با اصلاحات اجتماعی - اقتصادی و مواضع سیاسی تحکیم یافته طبقه کارگر پیوسته است، تجربه وسیعی در مبارزه طبقاتی بدست آورده بودند. سندیکا‌های کشورهای تازه آزاد شده فعالیت‌های خود را تجدید سازمان کردند و خود را با شرایط جدید، نکات پیچیده‌تر و متناقضتر مبارزه طبقاتی پس از کسب استقلال سیاسی تطبیق دادند.

این تجدید سازمان بوسیله عده‌ای از عوامل عینی و ذهنی ، یعنی، تغییر سریع در تمامی وضعیت اجتماعی - اقتصادی و سیاسی و موقعیت بین‌المللی کشورهای آزاد شده ، از نظر کمیت ، ترکیب و ساختار پرولتاریای آسیا، اشکال و شیوه جدید توسعه طلبی مورد استفاده کشورهای امپریالیستی، همچنین تأثیر رهبران سندیکائی دست راستی اصلاح طلب بر جنبش کارگری آسیا ، تغییرات ساختاری در اقتصاد دولت‌های جوان ، وغیره تحمیل می‌شد. همانطور که مکرراً توسط احزاب کمونیست گوشزد شده است ، پیروزی جنبش کارگری تا حدود زیادی به مسیر تکامل اجتماعی - اقتصادی انتخاب شده توسط کشورهای مستقل جوان و به‌حل صحیح و روشن همه وظایف تئوریک و عملی که در مقابل جنبش سندیکائی است بستگی دارد.



## مشخصات ویژه تکامل اجتماعی - اقتصادی و موقعیت طبقه کارگر در کشورهای آسیای جنوبی و جنوب شرقی.

علیرغم تعداد زیاد عوامل بجامانده در میراث شوم استعمار و سیاست جدید استعمار نو دول امپریالیستی که تکامل اقتصاد ملی را سد می‌کنند، نرخ‌های رشد این‌کشورها نسبتاً بالا است. بدین ترتیب در سالهای هفتاد در تعدادی از کشورهای آسیای جنوبی و جنوب شرقی تولید ناخالص اجتماعی ۶-۸ درصد را نشان می‌دهد درحالی‌که درآمد سرانه ملی آنها به ۲-۳ درصد میرسد. بعلاوه مطابق برنامه توسعه اقتصادی چهارساله پذیرفته شده توسط دولت برمه، رشد سالانه تولید ملی می‌بایست به ۴٫۵ درصد میرسید درحالی‌که درآمد ملی به‌طور سرانه ۲٫۷ درصد افزایش می‌یافت\*.

پس از کسب آزادی سیاسی، تشکیل پرولتاریا حتی در عقب افتاده‌ترین کشورهای نیمه پدرسالاری، شتاب گرفت. نرخ رشد عددی طبقه کارگر چند برابر نرخ رشد جمعیت بود. مثلاً مطابق داده‌های تقریبی تعداد کل کارگران مزدبگیر در کشورهای درحال توسعه آسیا در سال ۱۹۶۰ بالغ بر ۹۰-۱۰۰ میلیون نفر بود، اما در سال ۱۹۷۰ تعداد آنان به ۱۲۰ میلیون افزایش یافت\*\* . یک واقعیت بسیار مهم دیگر عبارتست از رشد بویژه سریع تعداد کارگران مشغول بکار در کارخانه‌ها و تأسیسات، نه تنها مراکز صنعتی سنتی بلکه همچنین در بخش‌های دوردست این کشورها، در نتیجه طبقه کارگر، سازمان‌ها و ایدئولوژی آن فرصت بیشتری دارند تا بر توده‌های دهقانان و جمعیت نیمه پرولتاریای شهر که متشکل از میلیون‌ها نفرند تأثیر بگذارند.

در حال حاضر کارگران صنعتی در هند ۳۵ درصد، در اندونزی ۳۰ درصد، پاکستان ۲۵ درصد و... کل کارگران مزدور را تشکیل می‌دهند. پیشرفت رشته‌های صنعتی جدید نظیر متالورژی، تولید نیرو، صنعت شیمیائی و غیره باعث افزایش تعداد کارگران در این

\* کتاب سال بین‌المللی، مسکو، ۱۹۷۵، ص ۲۳۸.

\*\* بررسی مارکسیستی جهان. شماره ۱۹۷۳، ص ۱۵۰.

رشته‌ها در مقایسه با توده کلی پرولتاریا میشود. مثلاً در ۱۹۴۷ ، تعداد ۶-۷ میلیون کارگر صنعتی در هند کار می‌کردند ، در سال ۱۹۶۵ این رقم به ۱۰ میلیون نفر رسید. در میان آنها ۴-۵ میلیون نفر کارگر کارخانه و تأسیسات ۰۶-۰۷ میلیون معدنچی ۲-۱ میلیون کارگر راه‌آهن و ارتباطات ، یک میلیون کارگر ساختمانی و ۱-۱٫۵ میلیون کارگر مزارع بزرگ بودند\* . رشد طبقه کارگر با تغییرات برجسته در ساختار آن همراه است .

در میان کارگران صنعتی تعداد افراد ماهر و تعلیم دیده، بویژه در بخش دولتی افزایش اساسی نشان داده است . بعقیده اقتصاددانان خبره در هند بخش دولتی از بخش خصوصی بسیار سودآورتر است. مطابق اطلاعات تهیه شده توسط آنان ، سود مؤسسات این بخش از ۱۹۸ میلیون روپیه در ۱۹۷۳ به ۶۶۸ میلیون روپیه در ۱۹۷۴ افزایش یافته است\*\* .

بکاراندازی پروژه‌های صنعتی با مقیاس بزرگ به تراکم بیشتر طبقه کارگر ، و بنابراین به ایجاد شرایط مطلوب برای سازمان و وحدت بهتر آن منجر میشود . نموده‌های این گرایش در کشورهای مختلف از خصوصیتی بغایت غیر یکنواخت برخوردار است .

در کنار پدیده‌های مثبت مذکور در تشکیل طبقه کارگر، پاره‌ای عوامل منفی نیز وجود دارند که مانع تکامل بیشتر جنبش کارگران در کشورهای آسیائی میشوند . پرولتاریا در کشورهای درحال توسعه آسیای جنوبی و جنوب شرقی هنوز چندان بزرگ نیست . تنها بخش کوچکی از کارگران با تولید کارخانه‌ای و تأسیساتی مربوط است . سهم پرولتاریای کشاورزی بزرگ است. تعداد کارگرانی که بیون خود را با روستا حفظ میکنند، یعنی کارگران نیمه‌وقت در صنعت که کار در مزرعه خویش را تنها برای مدت زمانی متوقف میکنند، در قیاس با توده پرولتاریا خیلی بزرگ است. درصد کارگران بی‌سواد و آموزش ندیده در مقیاس بالا است. بعلاوه هنوز پاره‌ای باورها و تعصبات مذهبی، کاستی ، ناسیونالیستی و خرده بورژوائی در میان

\* جنبش کارگری در کشورهای آسیا و شمال افریقا مه ۱۹۶۹، ص ۱۹ ، روسی .

\*\* کتاب سال بین‌المللی، مسکو ۱۹۷۵ ، ص ۲۳۸ .

پرولتاریا دست نخورده باقی مانده است. این واقعیتها بر درجه بندی سازمان و فعالیت جنبش طبقه کارگر و سندیکائی تأثیری منفی دارد .

تکامل بالنسبه سریع سرمایه داری ، یک پدیده مشترک در اکثر کشورهای آسیائی، تأثیر قابل توجهی بر جنبش کارگری و سندیکائی دارد .

در هر کشور معین که با شرایط تاریخی ، اجتماعی- اقتصادی و سیاسی خاص خویش مشخص میشود، تکامل سرمایه داری با تشدید بیشتر تضادهای بین کار و سرمایه، که ویژگی های متعددی آنرا بغرنج می کنند، همراه است. شرایط تکامل سرمایه داری در آسیا با وجود و کنش متقابل متنوعترین اشکال ماقبل سرمایه داری مشخص میشوند. در کشورهای درحال توسعه ، در قیاس با کشورهای کلاسیک سرمایه داری روندهای متنوعی نظیر: انباشت اولیه، تثبیت تولید کالائی ، پیشرفت مانوفاکتور ، سازمان دادن تولید کارخانه ای و اشکال مدرن فعالیت سرمایه محلی بطور همزمان به وقوع می پیوندند. نتیجتاً تکامل اجتماعی- اقتصادی کشورهای درحال توسعه آسیای جنوبی و جنوب شرقی به خاطر تنوع زیاد اشکال، مناسبات ، و سازمان اقتصادی شان مشخص میشود . درهم پیچیدگی همه این اشکال اجتماعی- اقتصادی ، اقتصاد گسسته و روندهای تکمیل نشده طبقات و ملل مشخصات نمونه وار زندگی در اکثر کشورهای آسیائی است .

تنوع زیاد و گوناگونی غیرمعمول گروه های اجتماعی در کشور- های درحال توسعه آسیا به ساختار اجتماعی- اقتصادی پیچیده آنها نیز مشروط می شود . همه آنها کم و بیش به موفقیت مبارزه آزادیبخش ملی علاقمندند اما میزان شرکت آنها در آن به علت منافع طبقاتیشان مختلف است. در مرحله مبارزه به خاطر استقلال سیاسی ، بورژوازی ملی ثابت کرد که سازمان یافته ترین و مؤثرترین نیرو است و از کشورهای آسیای جنوبی و جنوب شرقی، در جنبش آزادیبخش ملی سهم فعالی داشت و نقش موقرئی بازی کرد . بورژوازی ملی درحالی که در مرحله اول ، به برانداختن وابستگی به سرمایه خارجی و مداخله آن علاقمند بود، در مرحله دوم ، پس از نیل به استقلال سیاسی، مواضعش تغییر می یافت. ماهیت طبقاتی او

و ادارش می‌ساخت از شور انقلابی توده‌های خلق و از همه دگرگونی- های قاطع اجتماعی و اقتصادی به‌رأسد. بدین دلیل است که او تلاش‌های خود را متوجه منحرف ساختن جنبش آزادیبخش ملی از مسیر انقلابی تکامل می‌ساخت و میکوشید آنرا به طرف رفورمیسم، فرصت طلبی و سازشکاری سوق دهد. بورژوازی ملی بیش از یکبار در جنبش آزادیبخش شرکت فعال داشته و در تعدادی از کشورهای درحال توسعه آسیائی در مواضع ضد امپریالیستی قرار گرفته‌است، اما امروز مانعی است که تکامل غیرسرمایه‌داری آنها را سد می‌کند.

در بسیاری از کشورهای آسیائی مبارزه علیه استعمار و وابستگی زیر پرچم ناسیونالیسم انجام میشود. توده‌های تحت ستم، ایده‌های آنها را شور زیاد برمی‌گیرند زیرا که در آن بعضی عناصر دموکرات با سم‌نگیری غیرسرمایه‌داری را کشف می‌کنند. نیروهای میهن دوست ملی از ایده حاکمیت و وحدت ملی فعالانه پشتیبانی می‌کنند. این هدف برای مدت درازی توده‌های خلق را درمبارزه متحد کرده، آنها را به پیش کشیدن تقاضاهای نیرومندتری به‌خاطر برابری و اعتماد متقابل، برای دوستی و کمک متقابل، برای کار صلح‌آمیز و پیشرفت اجتماعی و ادار ساخته است.

مرحله فعلی تکامل بسیاری از کشورهای مستعمره، نیمه مستعمره و وابسته سابق با تشدید بازم تضادهای بین قشرهای خاص علاقمند به‌تحکیم اقتصاد ملی و تلاش انحصارات امپریالیستی بمنظور حفظ تسلطشان مشخص می‌شود. گرایش این تضادها و خصوصیت حاد آنها تأثیر نیرومندی بر حیات سیاسی و اقتصادی در کشورهای درحال توسعه دارد. از طرف دیگر، تکامل سرمایه-داری خطر مهلکی برای ملتها است چرا که ممکن است به سادگی حتی استقلال دولتی خویش را از دست بدهند. این بویژه نمونه وار کشورهای آسیای جنوبی و جنوب شرقی در هرزمانی است که محافل حاکمه بورژوازی محلی در تلاششان برای ایجاد سرمایه انحصاری ملی با امپریالیسم و انحصارات تشکیل اتحادهایی میدهند. در چنین مواردی «قشر فوقانی» تشکیل شده تحت تأثیر امپریالیسم و پاره‌ای اوقات حتی خود سرمایه انحصاری، در اتحاد با انحصارات امپریالیستی و با مساعدت فعال آنها می‌کوشند تأثیر خود را در لایه‌های پائینی و میانی بورژوازی محلی گسترش دهند. برنتیجه

تضادها در کشورهای آزاد شده، نه تنها بین طبقات اصلی اجتماع بلکه بین اقلیت و گروه‌های خاص طبقات استثمارگر نیز به صورت حادی تشدید میشوند. این امر به تغییرات اساسی در نیروهای طبقاتی و سیاسی در هر کشور خاص و به پیدایش امکانات عینی برای یک اتحاد بین پرولتاریا و توده‌های غیر پرولتاری، برای یک کار پایه مشترک در مبارزه ضد انحصاری منجر می‌شود\*.

مثلا سرمایه خصوصی خارجی، در درجه اول سرمایه‌ای انگلیسی و امریکائی هنوز مواضع مهمی را در اقتصاد هند در دست دارند. دولت کنگره ملی هند قدمهائی در محدود ساختن فعالیت‌های کمپانی‌های خارجی و وسعت بخشیدن به سرمایه‌گذاری دولتی برداشته است. کمپانی‌هایی که در آنها سرمایه در تملک اشخاصی است که تا حد بیش از ۴۰ درصد در کشور زندگی نمی‌کنند به حکم قانون از فعالیت در زمینه تجارت و صنعت ممنوعند. دولت باخواست استفاده از فرصت‌های بهتر کسب کمک فنی، برای شرکت‌های خارجی در صنایع تبدیلی استثناء قائل شده، بدین ترتیب تشویق معرفی تکنولوژی‌های جدید را هدف قرار داده است. مالکان و سوداگران بزرگ به تحریک نیروهای دست راستی مخالف دولت از مشکلات اقتصادی در سال ۱۹۷۴ برای شروع سفته بازی آشکار در مواد غذایی استفاده کردند. این امر در میان توده‌های خلق ایجاد ناراضائی کرد. شورش‌هایی چند در پاره‌ای از ایالات نظیر ایالت «گجرات» بوقوع پیوست. وقایع مشابهی هم در ایالت «بیهار» که در آنجا سوسیالیست‌های دست راستی بمنظور استفاده از شورش‌های توده‌ای و سرنگون ساختن دولت فعلی هند با بکار بردن روش‌های غیرقانونی، شعارهایی بخاطر «انقلاب کلی»، «دموکراسی غیر-حزبی» و دیگر عناوین عوام‌فریبانه علم کردند، رخ داد. حزب حاکم کنگره ملی هند به انگیزه آرزوی خویش برای حفظ وحدت ملی، تلاش‌های خود را با غرب کمونیست متحد ساخت و حمایت خود را از دولت در مبارزه علیه حملات نیروهای دست راستی ضد دولتی اعلام داشت. یک قدم مهم در این زمینه برپا کردن یک کمیته مشترک برای مبارزه با ارتجاع داخلی، بازار سیاه و سفته بازی بوده

\* مراجعه کنید به سرمایه بزرگ و انحصارات در کشورهای آسیائی، ۱۹۷۰، به‌روسی

است\*.

با کسب آزادی سیاسی، جنبش جوان سندیکائی با وظایف بسیار بفرنج متعددی مواجه شد. امپریالیسم استراتژی و تاکتیک‌های خود را در رابطه با کشورهای درحال توسعه اساساً تغییر داده است. خط استراتژیک امپریالیسم باکمک شعارهای عوام‌فریبانه مختلف به‌خاطر «کمک»، «مشارکت»، «خط علائق و منافع متقابل»، «خودسازی کشورهای آزاد شده در سیستم امپریالیسم». «ایمنی متقابل تضمین شده»، «حفاظت از کمونیسم» و غیره عملی می‌شد.

سیاست توسعه طلبی اقتصادی و نواستعماری سرمایه ژاپنی به بهترین وجه در کشورهای جنوب شرقی آسیا نشان داده شد. دولت ژاپن در تلاش برای تأمین مطلوبترین و ممتازترین شرایط برای آنکه انحصاراتش در این کشورها نفوذ کنند و توسعه یابند و آنها را مورد استثمار قرار دهند، وام‌هایی بشکل «کمک اقتصادی» به آنان اعطاء کرد. بدین ترتیب تاکنون ۶۰ میلیون، مالزی ۲۰۰ میلیون، سنگاپور ۵۰ میلیون، فیلیپین ۳۰ میلیون و اندونزی ۱۰۰ میلیون دلار دریافت داشتند. علاوه بر این «کمک‌ها» کنسرن‌ها و کمپانی‌های ژاپنی انحصار خود را بر تولید آنان تثبیت کردند. ژاپن‌بندریچ بصورت تأمین کننده نیازهای عمده تاکنون، سنگاپور و مالزی و به میزان کمتری فیلیپین درآمد. تولید این کشورها هم به ژاپن صادر می‌شود. مثلاً فیلیپین: لاستیک، ذرت و چوب، مالزی: آهن، قلع و لاستیک، اندونزی: نفت، بوکسیت، قلع، نیکل، چوب و غیره خود را به ژاپن می‌فروشند. این مناسبات تجاری و اقتصادی حامل همه نشان‌های نواستعمار هستند. انحصارات ژاپنی می‌خواهند با استفاده از مواد خام محلی و نیروی کار ارزان، سلطه کامل خود را بر بازارهای محلی تثبیت کنند و سودهای بالاتری را فعلیت بخشند. اگرچه وام‌های آنان «کمک اقتصادی» برای کشورهای کم توسعه یافته نامیده می‌شود، آنها بهیچ وجه مشتاق سرمایه‌گذاری سودهای خود برای توسعه اقتصاد این کشورها نیستند و حتی کمترین تلاش برای کمک به حل مسائل حیاتی در این کشورها که استانداردهای

\* کتاب سال بین‌المللی، مسکو، ۱۹۷۵، ص ۲۴۵.

زندگی بنحوی استثنائی پائین است بعمل نمی‌آورند\*.

بدین دلیل است که انحصارات ژاپنی با بهره‌کشی از منابع طبیعی عظیم اندونزی، مالزی، سنگاپور، تایلند و فیلیپین آنها را به نحوی اجتناب ناپذیر به زائده‌های تأمین کننده مواد خام خویش تبدیل می‌کنند. تنها در سال ۱۹۷۲ سرمایه‌گذاری در این پنج کشور برابر ۹۰۰ میلیون دلار بوده است.

ژحمتگشان کشورهای جنوب شرقی آسیا بنحو فزاینده‌ای از استثمار و روابط نابرابر خویش با ژاپن آگاه میشوند. این امر به نحوی اجتناب ناپذیر بر مبارزه آنان علیه استعمار نو بطور کلی، تأثیر می‌کند.

در چند سال گذشته رهبری کنونی چین از اشکال نهان بویژه نیرومند «تجاوز» علیه کشورهای همسایه، عمدتاً در جنوب شرقی آسیا استفاده کرد. رهبران چین درحالی‌که با همه ابتکارات مثبت شوروی مخالفت میکنند به هرکار ممکن، برای جلوگیری از انتشار فکر ساختمان یک سیستم امنیت جمعی در آسیا دست می‌زنند.

پکن در نقشه‌های خویش به موقعیت اقتصادی اقلیت‌های چینی و نقش بورژوازی چین در حیات اقتصادی این کشورها توجه خاصی مبذول میدارد.

این واقعیت غیرقابل بحثی است که سه‌چهارم جمعیت سنگاپور که ۲۳ میلیون نفر است منشاء چینی دارند و کنترل قابل‌توجهی بر اقتصاد و سیاست کشور اعمال می‌کنند. هم‌اکنون ۴ میلیون چینی در مالزی زندگی می‌کنند. آنها ۳۵ درصد جمعیت را تشکیل میدهند. اما بیش از ۸۵ درصد تجارت داخلی را کنترل می‌کنند و در مناسبات اقتصادی خارجی آن، مواضع کلیدی را در اختیار دارند. در تایلند ۴ میلیون چینی زندگی می‌کنند که بیش از ۱۰ درصد از جمعیت ۳۵ میلیونی کشور بحساب می‌آیند. آنان دارای ریشه‌های عمیقی در حیات اقتصادی کشورند. تولید، تجارت خارجی و داخلی تایلند در انحصار آنها است. اقلیت چینی اندونزی ۳۵ میلیون نفر، یعنی کمتر از ۲ درصد جمعیت است، اما آنها دارای مواضع کلیدی در زمینه تجارت هستند. بالاخره در فیلیپین چینی‌ها ۲ درصد از جمعیت ۴۰

\* روزنامه رابونتی چسکو دلو، شماره ۲۹۴، ۱۹۷۴.

میلیونی را تشکیل می‌دهند. اما مطابق آمار منابع محلی تنها ۲ درصد اقتصاد مملکت در دست اقلیت چینی نیست. همه این ۱۴ میلیون چینی دلال، مقاطعه کار، واسطه، اشراف و مالکند. بعبارت دیگر آنان بخش اساسی بورژوازی در کشورهای فوق و قویترین نیروی اقتصادی در این بخش از قاره آسیا را نشان می‌دهند. انحصارهای امریکائی شاخک‌های خود را بر سراسر جهان گسترده‌اند و بخش بزرگی از منابع طبیعی کشورهای درحال توسعه را کنترل می‌کنند اما در آسیا آنها باید با انحصارهای ژاپنی رقابت کنند و به تدریج توسط آنها کنار زده میشوند. آنچه همه آنها در آن مشترکند سیاست نواستعماری دول سرمایه‌داری است که توسط آنها تعقیب می‌شود. نفوذ سرمایه‌های چینی تلاش‌های حکومت‌های این کشورها در توسعه اقتصاد ملی خویش را، علیرغم اقدامات زحمتکشان به مقاومت در برابر آنها، واقعاً تحلیل برده است\*.

بهرحال آشکار است که هدف سیاست‌های چین در آسیای جنوبی و جنوب شرقی مقابله با همه اقدامات بخاطر ایجاد پایه‌های همکاری منطقه‌ای در این بخش از جهان و تبدیل آسیا به قاره صلح است.

**استنناج س. دانگه S. Dange** معاون رئیس فدراسیون جهانی سندیکاها در گزارش راجع به آسیا که در هشتمین کنگره جهانی سندیکائی در سال ۱۹۷۲ در «وارنا»ی، بلغارستان قرائت شد کاملاً جالب است: «بیرون کشیدن منابع کشورهای درحال توسعه از طریق مکانیسم تجارت نابرابر، عمل شناخته شده‌ای است. جنبه برجسته دیگر این رابطه گرایش تحقیرآمیز سرمایه انحصاری نسبت به نیروی کار ارزان توده‌های آسیائی است. هم در کشور - های سرمایه‌داری پیشرفته و هم در کشورهای درحال توسعه سلطه انحصاری، علت عمده بحران اقتصادی، تورم، عدم اشتغال فزاینده و دیگر مسائل اجتماعی حاضر است. تنها راه بیرون رفت، تکمیل سلب مالکیت از همه کمپانی‌های انحصاری و ملی کردن رشته‌های اقتصادی عمده... است. انجام اصلاحات ارضی بنیادی، توسعه کشاورزی را بهبود خواهد بخشید و برای بنای اتحاد بین طبقه‌کارگر و دهقانان، شرایط مطلوب فراهم خواهد ساخت. مبارزه به خاطر

\* رابوتنی چسکو دلو، شماره ۲۲۹، ۱۹۷۵.



ترقی اقتصادی و اجتماعی عمومی وظیفه اساسی زحمتکشان و سازمان‌های آنها است».

اینست شرایطی که در آن سندیگاه‌های کشورهای آسیائی باید به مبارزه علیه استعمار نو، شعارهای عوام فریبانه و تئوری‌های نظری که توسعه امپریالیستی را پرده پوشی می‌کنند، بپردازند. شرایط کارگران در نتیجه هجوم کشورهای امپریالیستی برای حفظ حوزه انحصارهای خارجی و اعاده مواضع استراتژیک امپیر - یالیسم شدیداً به‌خامت می‌گراید .

در شرایط استقلال سیاسی و مبارزه به خاطر اقتصاد متکی به خود تغییرات در وضع منادی و اجتماعی طبقه کارگر ناهمگون و متناقض است. عدم اشتغال روبرشد و اشکال اضافه جمعیت نسبی\* با تاثیر عظیمشان بر شرایط زندگی و کار پرولتاریا و افشار نزدیک به آن نقش برجسته‌ای بازی می‌کنند. در کشورهای جنوب و جنوب شرقی آسیا تعداد کارگران بیکار اغلب از تعداد کارگران شاغل تجاوز می‌کند. مطابق داده‌های آماری سازمان بین‌المللی کار تنها برای یک دوره ده ساله (۱۹۶۲-۱۹۷۲) تعداد بیکاران در ۸ کشور (برمه) سری لانکا، هند، اندونزی، مالزی، پاکستان، فیلیپین و سنگاپور) از ۳۴۵۷۰۰۰ به ۷۲۵۰۰۰ یعنی دوبرابر ، افزایش یافته است.\*\* بعلاوه باید در نظر داشت که این‌داده‌ها تنها مربوط به بخشی از بیکاران در این کشورها است، یعنی فقط کارگران مزدگیر و مستخدمین کم حقوق را شامل میشود و عدم اشتغال در مناطق روستائی عملاً انعکاس پیدا نمی‌کند.

موقعیت اقتصادی و سیاسی پرولتاریا در کشورهای آسیای جنوبی و جنوب شرقی هنوز وخیم است. مطابق داده‌های رسمی ، دستمزدهای کارگران در اکثر کشورها فقط ۳۰ تا ۴۰ درصد متوسط استاندارد حداقل زندگی یک خانواده را فراهم می‌کند ، و این در

---

\* می‌هوا ا. آی. موقعیت اقتصادی کارگران در کشورهای آسیای جنوبی و جنوب شرقی، طبقه کارگر درجهان معاصر ۲ نوامبر ۱۹۷۴ ، صفحات ۱۴۹-۱۴۲ ، به روسی (Miheeva A. I.)

\*\* مسائل منبر جنبش سندیکانی در کشورهای سرمایه‌داری و در حال توسعه ۱۹۷۵-۲۲۷ ، به روسی .

بهترین حالت است\* . بعضی اوقات افزایش دستمزد کارگران در این کشورها ممکن است ده بار یا بیشتر از مورد کشورهای سرمایه‌داری پیشرفته پائینتر باشد . تورم و کاهش ارزش پول ملی بالا رفتن شدید قیمت‌های مواد ضروری و مالیات‌ها ، شکل‌های کهنه حفظ شده پاداش و اختلاف زیاد در پاداش مردان ، زنان و کودکان، مقیاس وسیع عدم اشتغال و مدت باور نکردنی روز- کار و غیره موقعیت دشوار زحمتکشان را بیان می‌کند\*\* .

درچنین اوضاعی هماهنگی شایسته مبارزه اقتصادی و سیاسی طبقه کارگر و حل مبرم‌ترین مسائل باهدف بهبود بخشیدن بشرایط پرولتاریا و نیل به نزدیک‌ترین و **بادورنماترین** اهداف جنبش سندیکائی اهمیت درجه اول دارند.

در کشورهای درحال توسعه آسیای جنوبی و جنوب شرقی ، بهبود در شرایط اقتصادی کارگران تا حد زیادی هم به میزان تکامل اقتصادی و هم به حل مسائل اجتماعی - اقتصادی و سیاسی بستگی دارد. خود واقعیت سندیکاها را به مواجبه با مسأله شرکت وسیع آنان در حل وظایف ملی عمومی در تکامل کشور و ادار می‌سازد. مثلا در سال ۱۹۶۲ شورای انقلابی در برمه(۳) در بیانیه سیاسی خویش «راه برمه به سوسیالیسم» اعلام کرد که کشور راه تکاملی غیر - سرمایه‌داری را دنبال خواهد کرد و یک دولت سوسیالیستی و دموکرات با پیشاهنگی کارگران و دهقانان ایجاد خواهد شد. حزب تازه تشکیل شده انقلابی و دموکرات برنامه سوسیالیستی برمه(۴) در کنگره اول خویش خود را بعنوان یک حزب وسیع توده‌ای که به انجام نقش رهبری در کشور و واقعیت بخشیدن به ساختمان سوسیالیسم دعوت شده است اعلام کرد. در طول سالهای ۱۹۶۲-۱۹۷۰ چند رفورم اجتماعی - اقتصادی منطبق با برنامه شورای انقلابی انجام شد: ملی کردن بنگاه‌های سرمایه خارجی و محلی ، بنگاه‌های مشترک صنعتی ، بانکها، حمل و نقل، تجارت خارجی و داخلی ، اجرای اصلاحات ارضی و ایجاد شرایط مساعد برای تکامل

---

\* مسائل مبرم جنبش سندیکائی در کشورهای سرمایه‌داری درحال توسعه ، مه ۱۹۷۵ ، ص ۲۳۷ ، به‌روسی .

\*\* همانجا ، ص ۲۳۷ .

تولید کشاورزی به‌مثابه پایه اقتصاد برمه . حکومت به از بین بردن عدم اشتغال هم توجه زیادی مبذول داشت و مزدهای ماهانه کارگران کم درآمد را بالا برد. برای اولین بار گام‌های مشخصی برای وارد ساختن توده‌های وسیع زحمتکش به مدیریت اقتصادی برداشته شد . در مؤسسات، شوراهای کارگران بوجود آمد که از طرف کارگران انتخاب شده بودند و کارگران از طریق آنها در حل مسائل برنامه ریزی و سازماندهی تولید شرکت می‌کردند و به ارتقاء بارآوری کار مساعدت می‌رساندند ، شرایط کار و زندگی و خدمات اجتماعی تأمین شده برای زحمتکشان را ارتقاء میدادند . حکومت برمه سندی با عنوان «عقیده حکومت انقلابی درباره وضعیت کارگران» منتشر ساخته است. در این سند نقش پیشاهنگ کارگران در ساختمان سوسیالیستی برمه ، شرکت آنان در تولید مادی و نیز اهمیت تلاش آنان برای بارآوری اجتماعی بالاتر کار، برای همکاری با دهقانان به‌خاطر اشتراک منافعشان در تولید صنعتی و کشاورزی در روند ساختمان سوسیالیستی نموده شده است، و همین‌طور مدیریت و کنترل آنان بر همه مؤسسات تولیدی سوسیالیستی به منظور رعایت قوانین و معیارهای دولتی تعریف شده است\*.

در سال ۱۹۷۳ قانون اساسی جدید که در آن مسیر تکامل کشور طرح‌ریزی شده بود در یک referendum ملی پذیرفته شد و برمه یک جمهوری سوسیالیستی اعلام گشت .

شرایط در برمه با موقعیت سیاسی داخلی و اعمال ضد - حکومتی به مراتب بغرنج‌تر میشد. مطابق داده‌های آماری ملی در سال ۱۹۷۴ علی‌رغم اقدامات انجام شده توسط دولت ۲۰۰ هزار بیکار در کشور وجود داشت ، بسیاری از متخصصان به‌دلیل آنکه قادر نبودند شغلی پیدا کنند کشور را ترک کردند . در همین سال قیمت مایحتاج بالا رفت و شرایط زحمتکشان به نحوی چشمگیر به‌وخامت گرائید . سازمان‌های تجاری دولتی نمی‌توانستند مواد غذایی بمیزان کافی عرضه کنند . مشکلات در عرصه‌های مختلف شرایط توسعه مبارزه اعتصابی را ایجاد کرد. در آوریل و مه ۱۹۷۴ ، چهل هزار کارگر شاغل در ۱۲۸ بنگاه دولتی صنایع نفت و پارچه بافی و حمل

---

\* سندی‌ها در کشورهای جنوب شرقی آسیا ، مسکو ، ۱۹۶۴ . ص ۱۹۳ ، به‌روسی.

و نقل دست به اعتصاب زدند\* . مطالبات عمده آنان به خاطر شرایط بهتر برای زحمتکشان و بالاتر از همه برای تنظیم عرضه‌ها و قیمت کالاهای مورد نیاز بود . شورای ملی مرکزی کارگران(۵)، دولت و حزب ، برنامه سوسیالیستی برمه اقدامات عاجلی برای تأمین تقاضاهای کارگران به عمل آوردند .

وضع کارگران در هند بکلی متفاوت است . موقعیت سیاسی داخلی آنجا با مشکلات بزرگ اقتصادی مشخص می‌شود که در سال ۱۹۷۴ با وخامت شدید عرضه مواد غذایی برای جمعیت برائرسیل‌ها و خشکسالی که بر نواحی وسیعی از کشور تأثیر کرد ، بفرنچ‌تر گردید ، علیرغم اقدامات انجام شده توسط حکومت ، روند افزایش قیمت تا امروز متوقف نشده است . در سال ۱۹۷۴ قیمت‌ها ۳۰ درصد نسبت به سال ۱۹۷۳ بالا رفت . چنان که آمار ملی نشان می‌دهد شرایط توده‌های وسیع خلق هم با دستمزدهای پائین و هم با قیمت‌های گزاف مایحتاج، و به‌میزانی نه‌کمتر از آن با بالا رفتن مالیات‌ها جداً وخیم شده است . درحالی که حداقل مزد ماهانه تعیین شده ۴۰ روپیه است بیش از ۲۵۰ میلیون نفر بیش از ۲۰ روپیه به دست نمی‌آورند\*\* .

عدم اشتغال فزاینده بویژه در شهرها که در آنجا دخول جریان نیروی کار غیرماهری که از روستاها می‌آیند بسیار بزرگ است عامل دیگری است که شرایط زحمتکشان را به‌وخامت می‌برد . مطابق داده‌های رسمی تا آخر سال ۱۹۷۴، ۱۹۷۴، ۸۲۰۰۰۰ نفر در هند دچار بیکاری شدند .

مسئله شناسائی حقوق طبقه کارگر در عده‌ای از کشورهای جوان درحال توسعه با فوریت خاصی مطرح است . در اکثر کشور - ها قانون کار معمول شده اما عموماً نقض می‌شود و به همه زحمتکشان تعمیم نمی‌یابد . مثلاً کارگران شاغل در تولید کوچک و مانوفاکتور و حمل و نقل، کارگران پارانداز، کارگران تجاری و غیره مسئول سیستم تنظیم شرایط کار و زندگی نمی‌شوند . آنها به علت عدم وحدت و فقدان سازمان قادر نیستند کارفرمایان را به رعایت قوانین و

\* کتاب سال بین‌المللی، مسکو ۱۹۷۵ ، ص ۲۲۸ .

\*\* همانجا ، ص ۳۴۰ .

دستورات مربوطه و ادار سازند.

زحمتکشان در کشورهای درحال توسعه آسیای جنوب و جنوب شرقی به مبارزه به خاطر ساعات کار کمتر و تنظیم شرایط کار مشغولند. کارگران در سایه مبارزه مستمرشان در پاره‌ای از کشورها به حق ۸ ساعت کار در روز و استراحت اجباری هفته نایل آمده‌اند. مثلاً در هند زحمتکشانی که در صنعت و حمل و نقل کار می‌کنند حق ۲-۱ هفته مرخصی باحقوق، باتوجه به طول مدت کارشان بدست آورده‌اند.

در پاره‌ای از کشورها سیستم سودهای نقدی اضافه‌برپاداش پذیرفته شده اما این جبران هزینه رو به افزایش زندگی، همیشه توسط کارفرمایان داده نمیشود. در هند، سری لانکا، فیلیپین و مالزی اختلافات قابل توجهی در تعیین و محاسبه این فوق‌العاده‌ها رخ میدهد.

در اغلب کشورهای آسیای جنوبی و جنوب شرقی هیچ‌نهادی برای حفاظت از بیکاران وجود ندارد. هر جا هم که هیأت‌های بازرسی کارخانه وجود دارند، فعالیت آنها مؤثر نیست و حقوق کسب شده توسط کارگران و شناخته شده توسط مؤسسات قانونگذار پیوسته مورد سوء استفاده قرار می‌گیرد. بنابراین قوانین اجتماعی رسماً اعلام شده، بجز در پاره‌ای از کشورها که بطور صوری اجرا می‌گردند، بکار بسته نمی‌شوند.

در زمان‌های اخیر تصمیم حکومت به معمول کردن فوق‌العاده‌های اضافی بخاطر هزینه‌های حمل و نقل در مؤسسات دولتی که دور از نواحی پرجمعیت ساخته شده‌اند، آنچه که کارگران بخش خصوصی مدتها پیش بدان نایل آمده‌اند، نشان دهنده پیروزی بزرگی برای زحمتکشان هند است. موضع متحد اتخاذ شده توسط چهارمرکز بزرگ سندیکائی - کنگره سراسری سندیکائی هند (۶)، کنگره ملی سندیکائی هند (۷)، اتحادیه زحمتکشان هند (۸) و کنگره سندیکائی متحد (۹) - حکومت را مجبور ساخت دلایل خویش مبنی بر آنکه مجبور به جبران زیان‌های مؤسسات دولتی نیست را پس بگیرد. امروزه زحمتکشانی که در بخش دولتی هند کار می‌کنند، برای مؤسسات دوردست خواه سودآور باشند یا نباشند فوق‌العاده‌های اضافی دریافت می‌کنند.

در چند سال گذشته مسأله کاملتر ساختن قوانین کار، بویژه برای بخش دولتی، در پارلمان، سازمان‌های دولتی و سندیکائی و مطبوعات هرچه بیشتر مورد بحث قرار گرفت.

شوراهای مشترک مدیریت که خیلی قبل، در سال ۱۹۵۸ به ابتکار دولت مطابق اصل شرکت داوطلبانه برپا شده بودند و در ارتقاء نقش زحمتکشان در حیات مؤسسه، در عادی کردن مناسبات کار و در دموکراتیک‌تر ساختن مکانیسم‌های مدیریت کارساز پنداشته میشدند در هدف خود دچار شکست گردیده‌اند. نتیجه‌گیری کمیسیون ملی کار در سال ۱۹۶۹ نشان داد که شوراهای مشترک مدیریت موجود در ۴۶ مؤسسه بزرگ دولتی، بصورت هیأت‌های کارآ تکامل نیافته و هیچ نوع تأثیری بر کار مؤسسه نگذاشته‌اند: تعرفه سندیکائی بویژه مانعی جدی در انسجام آنها بود. مطابق داده‌های رسمی در سال ۱۹۶۹، ۱۹۷ سازمان سندیکائی در ۹۵ مؤسسه دولتی وجود داشت. و از میان آنها ۲۳ سازمان عضو اتحادیه زحمتکشان هند، ۶ سازمان عضو کنگره سندیکائی متحد و ۶۶ سازمان مستقل بودند.

مواردی از شوراهای مشترک مدیریت وجود دارد که تنها اعضاء سندیکاهای به‌رسمیت شناخته شده‌ای نظیر کنگره ملی سندیکائی هند را در ترکیب خود راه دادند که این طبعاً موجب اعتراض و عدم تصویب دیگر سندیکاها و زحمتکشان شد. این واقعیت، فعالیت‌های شوراهای پیچیده‌تر می‌کند. آنها اغلب به ارگان‌های اداری منحول شده و خصوصیت خود را بمثابه یک مجمع دموکراتیک که برای کمک به شرکت زحمتکشان در مدیریت تولید دعوت شده است از دست می‌دهند. بسیاری از رهبران حزب کنگره ملی هند علیه اعطای حق مدیریت تولید به زحمتکشان سخن گفته و پیشنهاد کردند که گروه‌های مشاوره‌ای جایگزین شوراهای شود که مدیریت مؤسسه را قادر خواهد ساخت تنها درباره مسائل مختلف فعالیت‌های خویش با کارگران مشورت کند، حالا تنها در یکی از هیجده مؤسسه بزرگ دولتی در ترکیب سیستم مدیریت، یک نماینده کارگران وجود دارد. طبیعتاً حتی حضور یک رهبر سندیکائی در مدیریت مؤسسه دولتی برای تضمین حفاظت از حقوق زحمتکشان کافی نیست.

کنفرانس نمایندگان سندیکاها منعقد شده در دهلی در ماه مه ۱۹۷۱ اهمیت بزرگ خود را برای مدیریت دموکراتیک مؤسسات، چه دولتی و چه بخش خصوصی، درهند، ثابت کرد. کنفرانس خواست‌های عمده سندیکاها از دولت هند را بشرح زیر دسته بندی کرد: برقراری کنترل قیمت‌ها، تدبیر سیستم مزد کار جدید منطبق با تغییرات در هزینه‌های زندگی کشور، اجرای فوری برنامه استخدام، گسترش بخش دولتی نسبت به بنگاه‌های خصوصی، ازبین بردن سیستم حکمیت اجباری و عدم دخالت نهادهای داد - گستری بدون رضایت کارگران، شناسائی قانونی حق اعتصاب برای کارگران و ممنوع کردن هر نوع عملیات پلیسی علیه اعتصابها، شناسائی رسمی فعالیت‌های سندیکائی در بنگاه‌های مختلف بر اساس شرکت و همکاری داوطلبانه، و بالاخره ایجاد مکانیسمی کارآ برای برآورده ساختن همگی این خواست‌ها با شرکت نمایندگان سندیکاها.

تصمیم مربوط به ایجاد یک سیستم وحدت یافته نمایندگان کارگران، اتخاذ شده توسط شورای عمومی کنگره سراسری سندیکائی هند در ژوئیه ۱۹۷۱ قدم مهمی بسوی اجرای قرارهای کنفرانس نمایندگان سندیکائی بود. به اصطلاح کمیته‌های کارگری انتخاب شده در گردهمائی‌های عمومی درکارگاه، بخش یا کارخانه به همکاری مدیریت و سندیکاها یاری خواهند کرد و حق خواهند داشت همه مسائل دارای اهمیت حیاتی برای زحمتکشان را مطرح سازند. یک نماینده کارگران به انتخاب سندیکاها در مدیریت مؤسسه نیز شرکت خواهد کرد.

شورای عمومی قرار کنفرانس ملی سندیکائی را که مطابق آن مناسبات متقابل بین مدیریت اداری و سندیکاها باید مبتنی بر مذاکرات دوجانبه مستقیم باشد مورد حمایت قرار داد. دعاوی کارگران را تنها با رضایت سندیکاها یا به درخواست آنان میتوان به حکمیت دولتی ارجاع کرد. حق اعتصاب بعنوان شکلی از مبارزه باید در همه رشته‌های اقتصادکشور بطور قانونی به رسمیت شناخته شود.

باید همه این حقوق زحمتکشان در قانون اساسی هند گنجانده شود.

همه این مثالها بوضوح نشان میدهند که طبقه کارگر هند با وظیفه به پیش بردن مبارزه‌ای دشوار برای بهبود شرایط اجتماعی و اقتصادی خویش، برای اصلاحات بنیادی در حیات اجتماعی و اقتصادی، برای تکامل بخشیدن به گرایش‌های مترقی که راه جدید کشور را پی‌ریزی می‌کند روبرو است.

مبارزه برای حقوق سندیکائی در کشورهای آسیای جنوبی و جنوب شرقی پیوسته رشد می‌یابد، اما در پاره‌ای از کشورها مثلاً تایلند، فعالیت‌های سندیکائی حتی امروز نیز ممنوع است. مدت‌ها پیش، یعنی در سال ۱۹۶۹ بزرگترین مرکز سندیکائی اندونزی، «سوسی»، ممنوع شد و بسیاری از رهبران و فعالین سندیکائی بدون اتهام و محاکمه به زندان افتاده یا به جزایر دور - افتاده غیرمسکون تبعید شدند.

در سنگاپور زنان و جوانان زیر ۱۸ سال بخش بزرگی از کارگران غیر سازمان یافته را تشکیل می‌دهند. آنها روزی ۱۲-۱۳ ساعت در شرایط دشوار باور نکردنی برای دستمزد متوسطی معادل ۱۰ دلار در ماه کار می‌کنند. آنان به هیچ‌وجه حق اعتصاب و عضویت در سندیکاها ندارند و از امنیت اجتماعی و مرخصی بدون حقوق برخوردار نیستند. وضع تعداد قابل توجهی از کارگران در بعضی از رشته‌ها در کشورهای سری لانکا، مالزی، فیلیپین و غیره نیز همینطور است.

علیرغم همه اینها نقش طبقه کارگر در مبارزه به‌خاطر سیاست اجتماعی - اقتصادی مترقی در مرحله معاصر پیوسته رشد می‌یابد. مسئولیت سندیکاها نسبت به زحمتکشان دائماً افزایش پیدا می‌کند. نفوذ و اعتبار آنان ضمن آنکه هدف‌ها و وظایف مشترک آنها را به فعالیت‌های مشترک در مبارزه علیه سرمایه‌داری و امپریالیسم هدایت می‌کند، در میان ملل آسیائی هرچه بیشتر شناخته می‌شود. این امر، طبقه کارگر در کشورهای در حال توسعه جنوب و جنوب شرقی آسیا را به اتحاد و انجام مبارزه‌ای فعال در دفاع از حقوق خویش وادار می‌سازد.

امروز جنبش کارگری و سندیکائی در کشورهای آزاد شده با وظایف عینی مرتبط باهم، مبارزه علیه امپریالیسم و به‌خاطر حفظ نفوذ خویش در مستعمرات و نیمه مستعمرات سابق، برای تحکیم



استقلال سیاسی و اقتصادی خویش، برای اصلاحات اجتماعی - اقتصادی ژرفتر و برای دموکراتیزه کردن حیات اجتماعی روبرو است. حل این مسائل مهمترین و ضروری‌ترین شرط دفاع توأم باموفقیت از منافع و حقوق اقتصادی و سیاسی طبقه کارگر است. این مطلب به چند عامل بستگی دارد. اولین آنها درجه سازمان یافتگی و آگاهی پرولتاریا و توانائی او به دفاع از منافع طبقاتی خویش، مبارزه با ایدئولوژی‌های خارجی، به وحدت عمل رسیدن با همه نیروهای ضد امپریالیست و مقاومت در برابر اقدامات بورژوازی برای تحت تأثیر گرفتن جنبش کارگران، توانائی او به بسط و تقویت مناسبات با جنبش سندیکائی و کارگری جهان میباشد. ارزیابی عینی‌گرایش در تکامل دولتهای جوان و استراتژی و تاکتیک‌های انتخاب شده در مبارزه سندیکائی برای جنبش سندیکائی در کشورهای آسیای جنوبی و جنوب شرقی درجه اول اهمیت را دارد.

### جنبش سندیکائی و مسئله وحدت سندیکائی

نقش و اهمیت طبقه کارگر و سازمان‌های آن، در حیات اقتصادی و سیاسی دولتهای جوان، در مبارزه پیوسته روبگسترش و تشدید خلقها برای استقلال اقتصادی، علیه امپریالیسم، بخاطر صلح و پیشرفت اجتماعی در کشورهای آزاد شده همواره رشد می‌یابد. در مرحله جدید انقلابهای آزادیبخش، خلقهای آسیا با وظیفه اساسی نیل به دگرگونی‌های اجتماعی - اقتصادی بنیادی مواجه‌اند و این امر پرولتاریای کشورهای در حال توسعه را به دفاع هرچه فعالتر و پیگیرتر از منافع طبقاتی خویش وادار می‌سازد. کارگران در کنار تقاضاهای اقتصادی‌شان هرچه بیشتر مطالبات مبرم سیاسی، یعنی بسط دموکراسی، اعطا و تضمین حق کارگران به تشبیت سازمانهای خویش و اقدام بااعتصاب، برگزاری گردهم‌آئی‌ها و تظاهرات، معرفی کردن قوانین کار و بسط آن به همه دسته‌های کارگران و غیره، را به پیش می‌کشند. در مرحله جدید انقلابهای آزادیبخش ملی مبارزه اقتصادی کارگران بنحوی اجتناب ناپذیر با عمل سیاسی ترکیب میشود. نقش و اهمیت سندیکاها در مبارزه خلق‌ها علیه امپریالیسم و استعمار نو، پیوسته رشد می‌یابد و

سندیکا‌های کارگران برفعالیت سیاسی خویش می‌افزایند. حل مسائل دارای اهمیت حیاتی برای طبقه کارگر، مستقیماً به مبارزه آنان برای کسب حقوق سیاسی، علیه امپریالیسم و همه نیروهای محلی طرفدار امپریالیسم بستگی دارد. کارگران لزوم مبارزه سیاسی را بسرعت درک می‌کنند و دعاوی سیاسی خویش را بطریق مصممانه‌تری مطرح می‌سازند.

بنابراین کمک بزرگ مبارزه طبقاتی در «سری لانکا» به‌جبهه متحد نیروهای چپ‌گرا که در سال ۱۹۶۸ تشکیل شده بود به‌ثبوت رسید و مواضع احزاب و سازمانهای جناح راست بطور جدی تضعیف شد. کارگران بر اجرای پیگیر و استوار اصلاحات مرفقی برنامه‌ریزی شده توسط دولت بمنظور پایان دادن به اقدامات طبقات استثمارگر به‌خرابکاری پافشاری کردند. آنها برای از بین بردن وابستگی کشور به سرمایه خارجی، تکامل بخشیدن به اقتصاد ملی و تحکیم بخش دولتی در مهمترین رشته‌ها و اجرای اصلاحات ارضی واقعی در کشاورزی مبارزه کردند. اعمال انقلابی کارگران در سایر افشار اجتماعی بازتاب یافت. این فعالیتها به انزوای عناصر ارتجاعی منجر شد، مواضع دولت شرقی را تقویت کرد، و به تلاشهایش در تعقیب سیاسی استوار، که در قانون اساسی جدید کشور، مصوب ماه مه ۱۹۷۲ منعکس شده بود یاری رساند.

مبارزه زحمتکشان برای دموکراتیزه کردن حیات اجتماعی - سیاسی در کشورهای در حال توسعه جنوب و جنوب شرقی آسیا، برای محدود کردن و از بین بردن کلی سیستم استثماری، علیه هجوم انحصارات خارجی و سیاستهای نواستعماری ایالات متحده، ژاپن و انگلستان کم‌اهمیت‌تر نیست.

چنین بود خصوصیت تعدادی از اعتصابها، گردهمائی‌ها و تظاهرات زحمتکشان در اندونزی، مالزی، سنگاپور، تایلند و فیلیپین در سالهای ۱۹۷۳-۱۹۷۵.

در سال ۱۹۷۴ زحمتکشان هند، اعتصاب‌های بزرگی سازمان داده، شرایط بهتر کار و مزدهای بالاتری را درخواست کردند. در ماه مه همین سال بیش از دومیلیون نفر کارگر راه‌آهن با پشتیبانی کارگران بارانداز و کارگران صنعتی، کارکنان اداری، معلمان و حمایت چهار مرکز از بزرگترین مراکز سندیکائی کشور دست به اعتصاب

زدند.

در نتیجه اعتصاب، بر اثر پافشاری نمایندگان کارگران، دولت متعهد شد در هر سه سال یک بار سیستم پرداخت دستمزد را تجدید بررسی نموده حداقل دستمزدها را مطابق با تغییرات در اقتصاد کشور تثبیت کند\*.

باتوجه به این واقعیت‌ها اکثر احزاب و سازمان‌های بورژوائی اکنون تلاش‌های عظیمی به عمل می‌آورند تا کنترل خویش را بر جنبش سندیکائی تثبیت کنند. در مواردی آرزوهای آنان با تلاش‌هایی از ناحیه فدراسیون‌های سندیکائی بین‌المللی رفورمیست و گروه‌بندی‌های سیاسی رفورمیست و جناح چپ برای تحت نفوذ درآوردن جنبش سندیکائی ترکیب میشود. با تحلیل واقعیات ما می‌توانیم نتیجه بگیریم که رویزیونیسم و ماجراجوئی صرف نظر از تأثیرشان بر بخشی از طبقه کارگر هیچ دورنمای روشنی در آسیا ندارند. این مطلب با سرنوشت مائوئیسم و گروه‌بندی‌های چپ‌گرای طرفدارپکن، که با وجود آنکه برای مدتی در میان آنها نفوذ داشتند، اکنون اعتماد توده‌ها را پیوسته از دست میدهند، به‌وضوح تأیید میشود. اقدامات پاره‌ای از رهبران در منزوی ساختن سندیکاها از جنبش سندیکائی مترقی بین‌المللی و تبدیل سندیکا‌های محلی به «سازمان‌های صرفاً ملی» نشانگر تهدیدی جدی برای جنبش کارگری و سندیکائی جوان در کشورهای درحال توسعه جنوب و جنوب شرقی آسیا بود. در زمان ما، مبارزه پرولتری بدون حمایت جنبش کارگری بین‌المللی و طبقه کارگر کشورهای سوسیالیستی در هیچ بخشی از جهان نمی‌تواند کامیاب شود. در مرحله معاصر تنها با وحدت پرولتاریای جهانی و عملیات مشترک گردان‌های آن میتوان به‌مقابله موفقیت‌آمیز با استراتژی جهانی امپریالیسم علیه طبقه کارگر و سازمان‌های آن پرداخت\*\*.

شکل‌گیری سازمان‌های سندیکائی در کشورهای در حال توسعه جنوب و جنوب شرقی آسیا نشان میدهد که روند تکامل طبقه کارگر

\* کتاب سال بین‌المللی، مسکو، ۱۹۷۵، ص ۲۴۳.

\*\* مراجعه کنید به مسائل جنبش سندیکائی در کشورهای سرمایه‌داری و در حال توسعه، مسکو، ۱۹۷۵، به‌روسی.

به «طبقه‌ای برای خود» باپاره‌ای موانع عینی و ذهنی روبرو بود. همه اقداماتی که توسط زحمتکشان برای برپاداشتن سازمان‌های خودشان به عمل می‌آمد از طرف مقامات استعماری و مرتجعین محلی با مقاومت خشن روبرو میشد. دولتمردان می‌کوشیدند تا با سرکوب‌های وحشیانه جلوی آنان را بگیرند، آنها حتی تا جایی پیش می‌رفتند که بعضی از کارگران را که مبتکر تشکیل سندیکاها می‌دانستند به قتل می‌رساندند.

در پاره‌ای از کشورهای آسیائی تا این زمان هم اشکال مختلف محلی، مذهبی و کارگاهی سازمان‌ها و انجمن‌ها موجود است.

بسیاری از سندیکاهائی که پس از جنگ دوم جهانی تحت تأثیر سندیکاهای کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری در اروپا و ایالات متحده ایجاد شدند، حتی امروز تحت کنترل تمایلات سوسیالیستی راست، اپورتونیستی، و رفورمیستی جنبش کارگری و سندیکائی هستند. آنها با سازمان‌های مختلف مذهبی پیوند دارند یا تحت سیطره و تبعیت انواع احزاب سیاسی دارای ایدئولوژی بورژوائی یا خرده بورژوائی هستند. وجود احزاب متعدد سیاسی و تعداد زیادی سازمان‌های سندیکائی کوچک به وضوح نشان میدهد که در این کشورها فقدان وحدت و عمل مشترک زحمتکشان چه در سطح رشته کارشان، چه در سطح ملی و چه قاره‌ای وجود دارد. این واقعیت شناخته شده است که به دلیل شرایط تاریخی جنبش آزادیبخش ملی در این کشورها تحت هدایت احزاب بورژوائی قرار گرفت. در دوره مبارزه به خاطر آزادی ملی و نابودی وابستگی استعماری، جنبش کارگری و سندیکائی نیروهای خود را با سازمان‌های ملی میهن دوست و دموکرات متحد ساخت و در کنار آنها به خاطر استقلال سیاسی رزمید. بهر حال پس از آنکه بورژوازی ملی قدرت سیاسی را بدست گرفت، با القاء فکر «استثنائی» و «مستقل» تکامل اجتماعی - اقتصادی و فرهنگی دولتهای جوان در آسیا با حرکت از شرایط عینی ویژه خویش، به فریب دادن رهبران جوان کارگران و سندیکاها آغاز کرد. بدون شک این مانع بزرگی در تشکیل آگاهی ایدئولوژیک و سمگیری سیاسی بخش بزرگتر رهبران کارگری و سندیکائی بود. این امر روند تکامل سندیکاهای آسیائی به مثابه سازمان‌های طبقاتی رزمنده زحمتکشان را که تحت تأثیر نامطلوب

ایده ساختمان سوسیالیسم نوع ویژه «آسیائی» نیز بود به عقب انداخت .

مطابق داده‌های تهیه شده توسط مراکز ملی سندیکائی ، سندیکا‌های کشورهای درحال توسعه جنوب و جنوب شرقی آسیا در حدود ۱۲-۱۳ میلیون عضو دارند که کمتر از ۱۰ درصد جمعیت فعال سالم را تشکیل میدهد ، یعنی از میان ۱۲۵ میلیون کارگرمزدور تنها ۱۲-۱۳ میلیون نفر عضو سازمانهای سندیکائی هستند\* . این ثابت می‌کند که تنها بخش نسبتاً کوچکی از زحمتکشان درسندیکاها متشکلند .

یک خصوصیت دیگر سندیکا در کشورهای درحال توسعه جنوب و جنوب شرقی آسیا فقدان هماهنگی آنها است .

عملاً سندیکا‌های متعددی در هر یک از کشورهای این بخش از قاره آسیا وجود دارند که یا پیوسته به فدراسیون جهانی سندیکاها (۱۰) ، کنفدراسیون بین‌المللی سندیکا‌های آزاد (۱۱) و کنفدراسیون جهانی کار (۱۲) هستند و یا استقلال خود را در سطحی بین‌المللی حفظ می‌کنند . بنابراین ، بعنوان مثال پنج مرکز عمومی ملی سندیکائی در هند و هشت مرکز در سری لانکا وجود دارند . در اندونزی ، به اصطلاح مجمع مشورتی کارگران (۱۳) از بیست و پنج فدراسیون مستقل که کارگران رشته‌های مختلف را متحد می‌کنند تشکیل شده است . بعلاوه در کشورهای مختلف تعدادی سندیکا - های دیگر مستقل و رشته‌ای نیز وجود دارد .

تعداد سازمان‌های سندیکائی در نتیجه شرایط مشخص عینی و ذهنی تکامل اجتماعی ، اقتصادی و سیاسی این کشورها و دخالت فعال کنفدراسیون بین‌المللی سندیکا‌های آزاد ، کنفدراسیون جهانی کار و مراکز ملی سندیکائی رفورمیست در کشورهای سرمایه‌داری زیاد است . مسیر مبارزه طبقاتی تحت تأثیر شدید وجود سندیکا - های دارای سمتگیری ایدئولوژیک مختلف قرار می‌گیرد .

اقشار مرتجع در کشورهای جنوب و جنوب شرقی آسیا با تلاش توده‌های زحمتکش برای وحدت مخالفند . ضربات آنها متوجه وحدت و عمل مشترک بوده و ایجاد شکاف در جنبش کارگری را با

\* مبارزه طبقاتی و سندیکاها ، مسکو ، ۱۹۷۱ ، ص ۲۸۳ به‌روسی .

استفاده از تمایزات ملی، مذهبی، زبانی و غیره هدف قرار داده است.

طبقات و حکومت‌های استثمارگر برای دفاع از منافع خویش وسیعاً به سیاست مانورهای اجتماعی و درخواست از کارگران برای سازش طبقاتی و فداکاری بنام «وحدت ملی» متوسل می‌شوند. تبلیغات ارتجاعی بمنظور کشاندن دهقانان به مقابله با طبقه کارگر و برهم زدن اتحاد آنان که در سالهای استقلال شکل گرفته و استحکام یافته، غالباً کارگران را به مطرح کردن تقاضاهای بی‌اساسی که علیه منافع دهقانان و سایر اقشار زحمتکشان است متهم می‌کند.

حکومت‌های عده‌ای از کشورهای مثل بنگلادش، اندونزی و پاکستان بتازگی در سیاست‌های ضد کارگری خود فعالیت کرده‌اند. کارگران اعتصابی و رهبران سندیکائی دستگیر می‌شوند و عملیات پلیسی علیه طبقه کارگر و فعالیت‌های او سازمان داده می‌شود. مسئولین هرچه بیشتر به حالت فوق‌العاده متوسل می‌شوند و قوانین ضد-کارگری و سندیکائی را گسترش می‌دهند.

همچنانکه صفوف طبقه کارگر از قشرهای خرده دهقانی و شهری و صنعتگرانی که در رقابت مضمحل شده‌اند انباشته می‌شود، امکانات گسترش ایدئولوژی خرده بورژوازی در جنبش کارگری و سندیکائی بوجود می‌آید. این قشرها زمینه مساعدی برای برانگیختن دشمن‌های مذهبی، قبیله‌ای و ملی که مورد استفاده ماهرانه بور-ژوازی برای رودر رو قرار دادن گروه‌هایی از کارگران در مقابل بقیه و بدین ترتیب شکاف انداختن و پراکنده ساختن جنبش کارگری و سندیکائی قرار می‌گیرد نشان می‌دهند.

از طرف دیگر به اصطلاح «اشرافیت کارگری» که با نقشه کارفرمایان ایجاد شده کارگران ماهری را دربر می‌گیرد که از سطح فرهنگی و اقتصادی پیشرفته‌تری برخوردارند. آنها مزدهای بالاتری می‌گیرند و از پاره‌ای مزایای قانونی کار بهره‌مند می‌شوند که البته نیز آگاهی طبقاتی، عزم انقلابی و فعالیت سیاسی آنها را کند می‌کند. در مرحله سوم، احزاب سوسیال دموکرات در این کشورها بر ایجاد تمایز بین وظایف سازمان‌های سوسیالیستی و سندیکائی و حفظ محدوده فعالیت‌های سندیکائی، یعنی کاهش دادن مشارکت سندیکائی تنها به مبارزه اقتصادی زحمتکشان پافشاری می‌کنند.

بسیاری از این احزاب که به عضویت به اصطلاح «کنفرانس سو - سیالیستی آسیائی» که در سال ۱۹۵۳ در رانگون (برمه) پایه‌گذاری شد درآمده‌اند، رسماً از سوسیالیسم علمی بریده و درجانب نیرو - های راستگرا و موضع آشکار آنها علیه سوسیالیسم در آسیا قرار گرفته‌اند . در این رابطه درگیری سوسیالیست‌های اندونزی در ترور ضد کمونیستی در جریان ماجراهای سپتامبر ۱۹۶۵ و متلاشی ساختن مرکز سندیکائی مترقی «سوبسی» کاملاً چشمگیر است. حزب سوسیالیست هند در فعالیت‌های عملی خویش بیشتر اوقات از احزاب راست افراطی «سواتانترا»\* و «جان سانگ»\*\* حمایت کرده با آنها متحد می‌شود.

جنبش سندیکائی در کشورهای در حال توسعه جنوب و جنوب شرقی آسیا از جاه‌طلبی‌های شخصی عده‌ای از رهبران که برای تقویت و افزایش اعتبار سیاسی خویش تلاش می‌کردند نیز صدمه زیادی دید. آنها با خواست و تلاش سازمانهای خویش برای متحد شدن با دیگر سندیکاها یا تشکیل یک مرکز سندیکائی متحد در کشور مخالفت کرده بدین ترتیب همه اصول دموکراتیک را نقض می‌کنند. مثلاً در بعضی کشورها مثل سنگاپور ، تایلند و فیلیپین بعضی از افراد رهبری سندیکائی، سازمان‌های خویش را به سندیکا‌های محلی در شرکت مالی یا صنعتی مربوطه تبدیل کرده‌اند. آنان بقصد شکاف انداختن در این سازمان‌ها یا ایجاد مانع در مقابل فعالیت‌هایشان، هنگامیکه کنترل آنها امکان ناپذیر می‌شود در کارشان مداخله می‌کنند .

وحدت سندیکائی در آسیا از فعالیت‌های سندیکائی کنفدراسیون بین‌المللی سندیکا‌های آزاد نیز که با کمک سازمان منطقه‌ای آسیائی (۱۴) که سازمان ویژه آنها در قاره دارای دبیرخانه‌های صنعتی و دفاتر دائمی در کشورهای مختلف است خیلی صدمه می‌بیند. این سازمان ماهنامه کار آسیائی و نشریه سرویس اطلاعاتی آسیائی توسط صندوق همبستگی بین‌المللی (۱۷) تامین می‌شود. سهم آسیا در آن هر سال و بطور مداوم افزایش می‌یابد. فعالیت‌های

---

\* Svantanatra

\*\* Djan Sangh

سازمان منطقه‌ای آسیائی در دو جهت عمده تمرکز یافته است: تکامل اقتصادی آسیا و حفاظت از حقوق سندیکائی زحمتکشان. این سازمان دارای مدارس و کالج‌هایی است که سندیکالیست‌های کشورهای آسیائی را تعلیم می‌دهند. در سال ۱۹۶۶ رهبری سازمان منطقه‌ای آسیائی از کلکته به دهلی انتقال یافت.

سازمان برادری سندیکاهای آسیایی\* (۱۸) (س.ب.س.آ.) که انگلستان، جمهوری فدرال آلمان و برخی از کشورهای غربی بدلیل کمک سازمانی و مالی آنها که بخاطر تحکیم مواضع کنفدراسیون بین‌المللی سندیکاهای آزاد در این بخش از آسیا اعطاء می‌شود تماس‌های دائمی دارد.

سازمان برادری سندیکاهای آسیایی (۱۸) (س.ب.س.آ.) که یک سازمان منطقه‌ای جنبش سندیکائی مسیحی است در دسامبر ۱۹۶۳ پایه‌گذاری شد. اداره مرکزی آن در مانیل (فیلیپین) است. در حال حاضر سه میلیون عضو سندیکا را متحد می‌کند. فعالترین اعضاء آن فدراسیون سندیکاهای مستقل (۱۹) در هند و فدراسیون کارگران آزاد (۲۰) در فیلیپین هستند. فعالیت‌های (س.ب.س.آ.) بیشتر به کشورهای مربوط می‌شود که مراکز سندیکائی ملی آنها عضو کنفدراسیون جهانی کار نیستند.

برنامه (س.ب.س.آ.) حاوی تقاضاهای ساختمان یک جامعه دموکراتیک، کمک کردن به تکامل اقتصادی، بالابردن استانداردهای زندگی زحمتکشان و حفاظت از منافع و حقوق سندیکائی آنانست. بهر حال، از آنجا که مبارزه طبقاتی و طریق تکامل سوسیالیستی در همه اسناد آن رد شده یا برسیمت شناخته نشده است، اصلاحات اجتماعی و اقتصادی پیشنهادی برای جامعه آسیائی بصورت اعلامیه‌های توخالی بدون تحقق عملی باقی می‌ماند. در قیاس با دیگر بخش‌های جهان که سندیکاهای مسیحی در آنجا تکامل مثبتی از سر گذرانده است، در کشورهای آسیائی ایدئولوژی (س.ب.س.آ.) بسیار محافظه‌کارانه و ارتجاعی می‌نماید. هدف این سازمان در سمتگیری ضدکمونیستی خود آنست که با تفسیر یک جانبه ماجراهای اندونزی در ۱۹۶۵، سیاست رهبری کنونی چین و جنگ

---

Brotherhood of Asian Trade Union (BATU).



خلق‌های هند و چین، بیهوده بودن سوسیالیسم در آسیا را به ثبوت برساند.

((س. ب. س. آ.)) توجه زیادی نیز به تعلیم سندیکالیست‌ها اختصاص می‌دهد. این سازمان یک انستیتوی تحقیقات اجتماعی ویژه در مانیل دایر کرده است که در آنجا بسیاری از اعضای رسمی سندیکائی از آسیا و بخصوص از کشورهایی که سازمان هیچ شعبه‌ای در آنها ندارد آموزش خویش را در چند مدرسه، سمینار و دوره دریافت می‌دارند.

آخرین کنگره (س. ب. س. آ.) در دسامبر ۱۹۷۳ نیز تغییرات معینی را در این سازمان نشان داد. مثلاً هنگام بحث در مسائل شرایط سخت اجتماعی و اقتصادی زحمتکشان، قرار پذیرفته شده، بطور مشخص بیان میداشت که این شرایط معلول «انحصارات نیرومند چندملیتی و حکومت‌های محافظه‌کار، یا حتی ارتجاعی» است. گرایش دائم‌التزایدی به برقراری تماس‌های چند جانبه با سندیکاها، چه آنها که به‌مراکز سندیکائی بین‌المللی پیوسته‌اند چه آنها که نپیوسته‌اند وجود دارد. برای این خصوص دومین سمینار سندیکائی آسیائی منعقد در آوریل ۱۹۷۲ در دهلی‌نو\* و کنفرانس سندیکائی راجع به آسیای جنوب شرقی منعقد در مارس ۱۹۷۳ در توکیو که بخاطر نتایج مثبتشان مورد توجه قرار گرفتند، مشخصند. در دومین سمینار سندیکائی آسیائی که بابتکار کنگره سندیکائی سراسری هند پیوسته به فدراسیون جهانی سندیکاها برگزار شد ۴۳ هیأت‌به‌نماینده‌گی ۲۳ مرکز سندیکائی ملی چه با پیوستگی نسبت به فدراسیون جهانی سندیکاها، کنفدراسیون بین‌المللی سندیکاها آزاد و چه سازمان‌های بدون پیوستگی معین حضور داشتند.

در کنفرانس سندیکائی راجع به آسیای جنوب شرقی که به پیشنهاد شورای عمومی سندیکاها (۲۱) سازمان داده شده بود نمایندگان ۸ سازمان ملی اعم از مستقل یا پیوسته به فدراسیون-های سندیکائی بین‌المللی مختلف حضور داشتند.

چهارمین سمینار سندیکائی منعقد در سپتامبر ۱۹۷۵ در ناگپور

---

\* مراجعه کنید به جنبش جهانی سندیکائی، شماره ۱۹، ۱۹۷۲، ص ۱۱. به‌روسی .

هند نقش بویژه مهمی در جنبش سندیکائی آسیا بازی کرده است. سمینار چهارم هم مثل سه سمینار قبلی توسط کنگره سندیکائی سراسری هند با کمک فدراسیون جهانی سندیکاها سازمان داده شده بود تا مسائل پیچیده روز مربوط به نقش بخش دولتی در تکامل اقتصادی و اجتماعی کشورهای آزاد شده و گرایش طبقه کارگر و سازمان‌های آن را مورد بحث قرار دهد. «س دانگه» دبیر کل کنگره سندیکائی سراسری هند و رئیس شورای ملی حزب کمونیست هند در گزارش خود بر اهمیت عظیم بخش دولتی برای تکامل حال و آینده کشور تاکید کرد. تاکید شد که بخش دولتی حامل اصول نوین تکامل اقتصادی و مؤثرترین وسیله غلبه بر عقب‌افتادگی اقتصادی و فنی است. در گزارش گفته می‌شود: «در کشور ما که در یک روند پاکسازی بقایای فئودالیسم و امپریالیسم است، سرمایه‌داری دولتی منابع اساسی جامعه را در اختیار دولت قرار میدهد تا در تکامل بخشیدن به نیروهای مولده و صنعتی کردن به سطحی بالاتر مورد استفاده قرار گیرند. بنابراین بخش دولتی تنها میتواند نقشی مترقی بازی کند. همراه با تغییرات ماشین دولت که تحت کنترل جبهه دموکراتیک قرار خواهد گرفت نظام سرمایه‌داری دولتی نیز تغییر خواهد یافت، چرا که ایستا نبوده بلکه به‌عنوان تنها عامل، قادر به تحقق بخشیدن به سهم‌گیری سوسیالیستی پیوسته تکامل می‌یابد. دقیقاً در این تکامل است که نیروهای جنبش سندیکائی نقش عظیمی برعهده دارند. همکاری سه جانبه‌ای که هم‌اکنون توسط کنگره سراسری سندیکائی هند، کنگره ملی سندیکائی هند، واتحادیه کارگران هند حاصل شده و تکامل آتی آن از اهمیت هرچه بزرگتری برای آنها برخوردار است.» مؤلف کمی پائین‌تر نتیجه می‌گرفت که «طبقه کارگر در اتحاد با پرولتاریای کشاورزی و دهقانان زحمتکش، روشنفکران و بورژوازی ملی باید به تشکیل بخش دولتی و استفاده از آن برای دگرگونی‌های اجتماعی دموکراتیک، برای مقاومت در برابر چند ملیتی‌ها و تحکیم استقلال و برای مبارزه بخاطر صلح، دموکراسی و سوسیالیسم یاری رساند.»

گزارش ارائه شده توسط «پ. ژانو» دبیر کل فدراسیون جهانی سندیکا هم از همین روحیه برخوردار بود. اشاره شد که حمایت از بخش دولتی عنصر اساسی لازمی در مبارزه عمومی بخاطر

اصلاحات اجتماعی- اقتصادی است. این موضع در تقابل مستقیم با مواضع نیروهائی است که سندیکاها باید با آنان مبارزه کنند، سندنهائی پذیرفته شده توسط سمینار حاوی، نتیجه‌گیری‌های مهمی راجع به گرایش طبقه کارگر و سندیکاها نسبت، به بخش دولتی در کشورهای آزاد شده بود. این سند وظایف جدید سندیکاها و شرکت فعال آنها در تکامل اقتصاد ملی و مبارزه بخاطر اصلاحات اجتماعی- اقتصادی دموکراتیک اساسی را تعریف میکرد. بخش دولتی در تلاشهایش برای بالابردن **راندمان تولید، تقویت انضباط کار، افزایش حجم بازده محصول و ریشه‌کنی فساد**، خرابکاری و همه فعالیت‌های تلف کننده در روند تولید باید مورد حمایت فعال سندیکاهاى خود قرارگیرد. وظیفه سندیکاها در مبارزه بخاطر وحدت همه افشار زحمتکش علائمند به تشکیل، حفظ و تحکیم بخش دولتی بهیچوجه کم اهمیتتر نیست.\*

همچنین سمینارها و کنفرانس‌های مشابهی از سندیکاها در کشورهای مختلف آسیائی توسط سازمان بین‌المللی کار، سازمان منطقه‌ای آسیائی کنفدراسیون بین‌المللی سندیکاهاى آزاد، کنگره سراسری سندیکائی هند و غیره سازمان داده میشود.

شکاف سندیکائی توسط چند عامل رخ میدهد. مناسبات متقابل سندیکائی قبل و پیش از هرچیز به مناسبات متقابل احزاب سیاسى بستگی دارد. عدم وحدت سیاسى بیش از یک بار به شکاف سندیکائی توسط چند عامل رخ می‌دهد. مناسبات مثلا سازمان طبقه کار در «سری لانکا» در مقایسه با دیگر کشورهای آسیائی، بهترین است. بیش از ۷۰ درصد کارگران مزدبگیر عضو سندیکا هستند. در حال حاضر در حدود ۱۵۰۰ عضو سندیکاهاى مختلف در کشور وجود دارند. علل عینی و ذهنی این خصوصیت، چندپارچگی جنبش سندیکائی ناشی از عقب‌ماندگی اقتصادى و باوجود تولیدکالائى خرد، از سیاست‌های جدائی خواهانه اپورتونستى راست و افراطی چپ فعالین سندیکائی و غیره برمیخیزد. کمونیست‌ها در یکی از سه بزرگترین مراکز سندیکائی کشور،

\* طبقه کارگر و جهان امروز، شماره ۱۷۱، ص ۱۴۶ تا ۱۴۹، ا. ی. آرکا و اسکیا، درباره مواضع منافع زحمتکشان، به‌روسی.

فدراسیون سندیکائی «سری لانکا» و همچنین در فدراسیون‌های رشته‌ای، یعنی فدراسیون سندیکائی مستخدمین و کارمندان و اتحادیه متحد کارگران مزارع بزرگ دارای نقش رهبری کننده هستند. کار کمیته عمومی سازمان‌های سندیکائی که بابتکار حزب کمونیست تشکیل شده و عمل متحد سندیکا‌های مختلف در مبارزه بخاطر بهبود وضعیت زحمتکشان در کشور را هماهنگ می‌کند، بهیچ‌وجه کمتر فعال نیست.

حزب سوسیالیست فعالیت‌های فدراسیون کار «سری لانکا» را که در ۱۹۳۹ پایه‌ریزی شد و وضعیت بین‌المللی مستقلی دارد هدایت می‌کند.

فدراسیون سندیکائی مستقل «سری لانکا» که تحت رهبری حزب آزادی بنیان یافت در حدود ۲۵۰۰۰ عضو را متحد می‌کند. این نیز از لحاظ وضعیت بین‌المللی مستقل است.

کنگره کارگران بزرگترین فدراسیون کارگری در «سری لانکا» است. این سازمان بخشی از کارگران مزارع بزرگ «تامیل» را دربر می‌گیرد و پیوند نزدیکی با احزاب دست راستی ناسیونالیست باصطلاح جبهه متحد تامیل دارد. این سندیکا به کنفدراسیون بین‌المللی سندیکا‌های آزاد پیوسته است.

کنگره کارگران دموکرات از اعتبار قابل توجهی در میان کارگران مزارع بزرگ، برخوردار است و دارای روابط نزدیکی با فدراسیون جهانی سندیکاها است.

جبهه متحد که در ژوئن ۱۹۶۸ پی‌ریزی شد شامل حزب آزادی، حزب سوسیالیست و حزب کمونیست است. این جبهه یک برنامه عمومی تعیین کرد که شامل ۲۵ بند است و مهمترین وظایف تکامل اقتصادی، سیاسی و اجتماعی کشور را تعریف می‌کند. برنامه حاکی از آنست که جبهه متحد به‌خاطر برقراری دموکراسی سوسیالیستی که استقلال، وحدت و تمامیت ارضی کشور و همچنین نابودی همه امتیازهای اقتصادی و اجتماعی، نابرابری و استثمار، حقوق برابر برای همه شهروندان، بسط اشکال دموکراتیک حکومت و غیره را تضمین می‌کند مبارزه می‌نماید. جبهه متحد حکومت را به آغاز اجرای اصلاحات اجتماعی - اقتصادی بنفع توده‌های وسیع زحمتکشان و بالاتر از همه شناسائی دستگاه دولتی، تسهیل

شرایط دهقانان بکمک اصلاحات ارضی بنیادین، انجام صنعتی کردن کشور و متحد ساختن رشته‌های اقتصادی عمده در بخش دولتی، برقراری کنترل دولتی بر بانکهای خصوصی و تجارت کالاهای دارای اهمیت حیاتی و غیره مجبور ساخته است\*.

تحولات امروزیین یکبار دیگر لزوم وحدت و همبستگی سازمانی زحمتکشان را مورد تأکید قرار داده است. تماس‌ها و مناسبات رو به توسعه بین سندیکاهای مختلف در یک مقیاس ملی قاره‌ای و بین‌المللی در شتاب بخشیدن به این روند نقش مثبتی بازی می‌کند. برنامه‌ها و اسناد آنها گرایش‌هایی را در جهت تفاهم بهتر و فعالیت‌های مشترک مراکز سندیکائی آسیائی منعکس می‌نماید. همچنانکه در پیشنهاد پذیرفته شده در کنفرانس سندیکائی آسیائی بیان شده است و بحث کردن در مسائل مورد علاقه عمومی با روحیه وحدت و همکاری یک مجمع از همه سندیکاها در آسیا است\*\*.

وظایف مشترک طبقه کارگر کشورهای در حال توسعه جنوب و جنوب شرقی آسیا سطح مبارزه بالاتری را از سندیکاهای متعلق به سازمان‌های مختلف بین‌المللی یا مستقل طلب می‌کند.

مثلا اعتصاب کارگران در مزارع بزرگ چای و کائوچو در «سری لانکا» در سپتامبر ۱۹۷۰ که کارگران صنعتی نیز به آن پیوستند، سرانجام به یک اعتصاب عمومی ملی تبدیل شد که بر تمام رشته‌های اقتصاد کشور تأثیر گذاشت. فدراسیون سندیکائی، مبنکر برپائی یک کمیته هماهنگی شد تا تلاش‌های نمایندگان سازمان‌های سندیکائی مختلف را به کمک اعلامیه‌ای مشترک با کارفرمایان کمپانی‌های مختلف مقابله می‌کردند متحد سازد. زحمتکشان و سازمان‌های آنان در کسب دستمزدهای بالاتر و حق سندیکائی شرکت در انعقاد توافق‌های مربوط به کار موقت شدند. یک حداقل دستمزد ابتدا برای کارگران کشاورزی تثبیت شد تا بعداً به همه مؤسسات کشور تعمیم یابد.

نتیجه اینکه همه مسائل جنبش سندیکائی بر مبنای وحدت و

\* جنبش بین‌المللی کارگران، مسکو، ۱۹۷۴، ص ۳۸۳، ۳۸۷.

\*\* جنبش سندیکائی بین‌المللی، شماره ۱۲، ۱۹۷۳، ص ۳۴-۴۱، به‌روسی.

همبستگی می‌تواند حل شوند.

مرحله فعلی تکامل جنبش سندیکائی بین‌المللی با داشتن وجه مشترک معین در تقاضای مطرح شده توسط سندیکاهای باسمت-گیری مختلف مشخص می‌شود. تکامل بازار و اقتصاد جهانی و روند شدت یافته بین‌المللی شدن در حیات اقتصادی، همبستگی بین-المللی کارگران و اهمیت آن در مبارزه علیه سرمایه را افزایش داده است. این گرایش ناشی از نیروهای مولده سریعاً رشد یابنده که خیلی قبل، در اوایل قرن، مورد اشاره لنین قرار گرفت، در چند دهه گذشته هنگامی که پیشرفت علمی و فنی باعث تقسیم کار، تخصصی شدن و همکاری تولید بین‌المللی ژرفتری شد، به‌تأیید رسید. در گردهم‌آئی بین‌المللی احزاب کمونیست و کارگری در ۱۹۶۹ اشاره شد که سیاست امپریالیسم تا حد زیادی توسط اهداف طبقاتی در مبارزه عمومی علیه جهان سوسیالیسم، جنبش کارگران در کشورهای سرمایه-داری و انقلاب آزادیبخش ملی تعیین می‌شود. بنابراین ضرورت فزاینده‌ای برای وحدت جنبش بین‌المللی کارگران و پیوندهای نیرومندتر بین دستجات منفرد طبقه کارگر وجود دارد. همبستگی، حمایت متقابل و عمل هماهنگ آنها هرچه بیشتر اهمیت می‌یابد. کمونیست‌ها پیشاهنگ مبارزه برای وحدت و عملیات مشترک طبقه کارگرند. آنان مبارزان پیگیر بخاطر وحدت سندیکائی چه در مقیاس ملی در چهارچوب هرکشور منفرد و چه در سطح قاره‌ای و بین-المللی هستند.

کمونیست‌ها هنگام شکل دادن به گرایش مشخص خویش نسبت به مسائل وحدت جنبش سندیکائی از رهنمودهای لنین استفاده می‌کنند که «تطور ایدئولوژیک و سیاسی دستجات مختلف طبقه کارگر، سد مؤثری برای عمل مشترک بنام منافع مشترک آنها نیست»\*. باید در نظر داشت که جنبش کارگران جهانی به‌وحدت سندیکائی و عمل مشترک علاقه حیاتی دارد، چرا که این امر برای حل مبرمترین مسائل زحمتکشان بسیار ضروری می‌نماید. مبارزه با کونه‌فکری ملی، آموزش زحمتکشان با روحیهٔ انترناسیونالیسم و وحدت همه گردان‌های پرولتاریا برای جنبش

\* و. ای. لنین، مجموعه آثار، جلد ۴۴، ص ۳۶ و ۵۴.

سندیکائی در کشورهای آسیائی اهمیت عظیمی کسب کرده است. در این کشورها سندیکاها بخاطر وحدت در صفوف خویش مبارزه می‌کنند و نتایج حاصله تاکنون چشم‌اندازهای وسیعی را گشوده است.

تعادل نیروهائی که امروز در کشورهای سرمایه‌داری و در سراسر جهان برقرار است. چشم‌اندازهای مساعدی را برای دگرگونی انقلابی جامعه توسط طبقه کارگر ایجاد کرده است. در همین حال شخص باید موقعیت واقعی جنبش کارگران، وضعیت و گرایش‌های تکامل سندیکاهای سوسیال دموکرات و رفرمیست و بنابراین مشکلات حل مسأله وحدت سندیکائی را بحساب بیاورد.

فدراسیون جهانی سندیکاها و سازمان‌های آن برای وحدت طبقه کارگر مبارزه می‌کنند. آنها باتوجه به مشکلات غلبه برایدئولوژی رفرمیستی در جنبش کارگری و سندیکائی علناً اعلام داشته‌اند که عدم توافق‌های ایدئولوژیک موجود نباید مانعی برای عمل‌های مشترک، همکاری و تبادل عقیده در رابطه با پاره‌ای مسائل حاد مبارزه که اغلب مستلزم پاسخ فوری است بشود. فدراسیون جهانی سندیکاها درحالی که بر اراده زحمتکشان و اعضاء سندیکائی تکیه می‌کند، از این نظر پیروی می‌نماید که «اختلافات واقعاً موجود در نقطه نظرها و اصول ایدئولوژیک نمی‌تواند مانع مؤثری در ساختمان یک سازمان بین‌المللی که همه سندیکاهای جهان را بریک مبنای طبقاتی متحد سازد باشد».\*

درحقیقت این واقعیت غیرقابل بحثی است که بسیاری از اصول و درخواستها در اسناد سیاست برخی از سازمانها و فدراسیون‌های سندیکائی و دارای سمتگیری مختلف، مشابهند. در سال‌های اخیر همین روندهای تکامل هم در کشورهای منفرد و هم در عرصه بین‌المللی و لزوم وحدت را موجب شده و عمل‌های مشترک سندیکاهای پیوسته به فدراسیون‌های بین‌المللی با سمتگیری مختلف یعنی فدراسیون جهانی سندیکاها، کنفدراسیون بین‌المللی سندیکا - های آزاد و فدراسیون جهانی کار، را طلب کرده است.

---

\* از اسناد هشتمین کنگره جهانی سندیکاها، وارنا، ۱۹۷۳، جنبش سندیکائی جهانی، شماره ۱۱/۱۲/۱۹۷۳ ص ۸-۵۰.

تکامل این مناسبات تأثیر مثبتی برگرایش پیوسته روبرو شد. بسمت وحدت و عمل‌های مشترک جنبش کارگری و سندیکائی بین‌المللی و مبارزه آن به‌خاطر صلح ، دموکراسی و سوسیالیسم، که هم بنفع طبقه کارگری بین‌المللی و هم گردان‌های ملی کارگران و اقشار وسیع زحمتکشان است، داشته است.

سندیکاهای بلغارستان به‌تماسهای دوجانبه دوستانه با سندیکاهای کشورهای در حال توسعه جنوب و جنوب شرقی آسیا ادامه می‌دهند.

کار سیستماتیک ما بخاطر بسط و تحکیم مناسبات متقابل خویش با بزرگترین و بانفوذترین مراکز سندیکائی نتایج بسیار مثبتی به‌بار آورده است.

تماس‌های سندیکاهای بلغارستان بالاتر از هرچیز بسمت متحد ساختن و تقویت کردن همه نیروهای سندیکائی سالم در این‌کشورها بسمت بسط میدان همکاری دوستانه رسیدن به‌اتفاق نظر و عمل - های مشترک در زمینه فوری‌ترین مسائل جنبش سندیکائی و کارگری بین‌المللی، در مبارزه علیه امپریالیسم و نیروهای ارتجاع و نفاق ، بخاطر صلح و امنیت در آسیا و در سراسر جهان متوجه است.



- کنگره سندیکائی در برمه
1. Trade Union Congress in Burma
- شورای سندیکائی در مالایا
- Trade Union Council in Malaya
- سازمان سندیکائی مرکزی (سوبسی) در اندونزی
- Central Trade Union Organisation (SOBSI)
- کنگره سازمان‌های کارگران در فیلیپین
- Cong. of the Workers Organisation
- انجمن سندیکائی در بانکوک - تایلند
- Trad Union Association
- کنگره سراسری سندیکائی هند
2. All - Indian Trade Union Congrss
- شورای انقلابی در برمه
3. Revolutionary Council in Burma
- حزب برنامه سوسیالیستی برمه
4. Party of Burmese Socialist Program
- شورای ملی مرکزی کارگران
5. Central National Workers Council
- کنگره سراسری سندیکائی هند
6. All Indian Trade Union Congress
- کنگره سندیکائی هند
7. Indian National T. U. C.

- اتحادیه زحمتگر (Jhazdoor Sabha)
- کنگره سندیکائی متحد
- فدراسیون جهانی سندیکاها  
Federation of Trade Unions (W F T U)
- کنفدراسیون بین‌المللی سندیکاهای آزاد
11. International Confederation of Free Trade Unions (ICFTU)
- کنفدراسیون جهانی کار
12. World Confederation of Labour (W.C.L.)
- مجمع مشورتی کارگران
13. Workers Consulatione Assembly
- سازمان منطقه‌ای آسیائی
14. Asian Regional Organisation (A. R. O.)
- ماهنامه کار آسیائی
15. Asian Labour Monthly
- بولتن سرویس اطلاعاتی آسیائی
16. Asian Information Service Bulletin
- صندوق همبستگی بین‌المللی
17. International Solidarity Fund
- برادری سندیکاهای آسیائی
18. Brotherhood of Asian Trade Unions
- فدراسیون سندیکاهای مستقل
19. Fereation of Independent Trade Unions
- فدراسیون کارگران آزاد
20. Free Workers Frderation
- شورای عمومی سندیکاهای ژاپن
21. General Council of Japanese Trade Unions (SCHYO)

پیوستگی بین المللی	عضویت		
۴	۳	۱	
—	—	همه احزاب سیاسی و سندیکاها از ژانویه ۱۹۷۵ ممنوع شده اند اما در ژوئیه ۱۹۷۵ فرمانی برای تشکیل یک مرکز سندیکائی متحد صادر شد.	س
—	۱/۵ میلیون	شورای ملی مرکزی کارگران، تأسیس شده در ۱۹۶۸	۲- بومه
ICFTU	» ۲/۱۸۰	۱- کنگره ملی سندیکائی هند، تأسیس در ۱۹۴۷	۳- هند
WFTU	» ۱/۷۰۰	۲- کنگره سراسری سندیکائی هند، تأسیس در ۱۹۲۰	
ICFTU	۷۷۰ هزار	۳- اتحاد کارگران هند، تأسیس در ۱۹۴۸	
—	—	۴- مرکز سندیکائی هند، تأسیس در ۱۹۷۰	
مستقل	۲۲۴ هزار	۵- کنگره سندیکائی متحد، تأسیس در ۱۹۴۹	
—	—	۶- سازمان کارهند، تأسیس در ۱۹۷۱	
—	—	۷- اتحادیه کارگران هند تأسیس در ۱۹۵۴	
—	—	۸- ارتش کارگران هند، تأسیس در ۱۹۶۸	
WCL	۶۰۰ هزار	۹- فدراسیون سندیکاهای آزاد هند، تأسیس در ۱۹۶۳	

۴	۳	۲	۱
		فدراسیون کارگران اندونزی، تأسیس در ۱۹۷۳ و متحدکننده ۲۰ سندیکای رشته‌ای	۴- اندونزی
—	—	کنگره سندیکائی، تأسیس در ۱۹۴۹	۵- مانزی
ICFTU	۴۰۰ هزار	۱- کنفدراسیون سراسری کار-پاکستان، تأسیس در ۱۹۴۸	۶- پاکستان
—	—	۲- فدراسیون ملی سندیکائی پاکستان، تأسیس در ۱۹۶۳	
ICFTU	—	۳- شورای سراسری سندیکائی پاکستان، تأسیس در ۱۹۶۷	
—	—	۴- فدراسیون کارگران مترقی ملی، تأسیس در ۱۹۷۱	
—	—	۵- فدراسیون کارگران پاکستان، تأسیس در ۱۹۶۶	
—	—	۶- فدراسیون متحده کارگران، تأسیس در ۱۹۷۰	
—	—	۷- فدراسیون مندیکائی پاکستان، تأسیس در ۱۹۷۰	
—	—	۸- فدراسیون سندیکاهای کارگران ملی پاکستان تأسیس در ۱۹۶۹	
ICFTU	۱۵۰ هزار	کنگره ملی سندیکائی، تأسیس در ۱۹۶۱	۷- سنگاپور
ICFTU	—	۱- شورای سندیکائی فیلیپین	۸- فیلیپین
—	—	۲- کنگره سندیکائی فیلیپین	
WFTU	۲۵-۳۰ هزار	۳- انجمن سندیکائی ملی	
WCL	—	۴- فدراسیون کارگران آزاد	
ICFTU	—	۵- انجمن سندیکاهای آزاد	
ICFTU	۱۷۰ هزار	۱- کنگره کارگران سیلان، تأسیس در ۱۹۳۶	۹- سری لانکا
WFTU	۱۲۰ هزار	۲- فدراسیون سندیکائی، تأسیس در ۱۹۴۰	
مستقل	۲۰۰ هزار	۳- فدراسیون کار، تأسیس در ۱۹۳۹	

T A B L E

Countries	Trade Union Centres	Member- ship	International Affiliation
1	2	3	4
1. Bangladesh	All political parties and trade unions have been banned since January, 1975, but in June, 1975, a decree was issued for the formation of a united trade union centre	-	-
2. Burma	Central National Workers' Council, founded in 1968	1,5 million	-
3. India	1. Indian National Trade Union Congress, founded in 1947	2.100 m.	ICFTU
	2. All-Indian Trade Union Congress, founded in 1920	1.700 m.	WFTU
	3. Indian Workers' Union (Hind Mazdoor Satha) founded in 1948	770 thous.	ICFTU
	4. Indian Trade Union Centre founded in 1970	-	-
	5. United Trade Union Congress, founded in 1949	224 thous.	Auton.
	6. Indian Organisation of Labour, founded in 1971	-	-
	7. Indian workers' Union (Bharantiya Mazdoor Sangh), founded in 1954	-	-
	8. Indian Workers' Army (Bharantiya Kamgar Sena) founded in 1968	-	-
	9. Indian Federation of Independent Trade Unions, founded in 1963	600 thous.	WOL
4. Indonesia	Indonesian Workers' Federation, founded in 1975 and		

1	2	3	4
	uniting 20 branch trade unions	-	-
5. Malaysia	Trade Union Congress, founded in 1949	400 thous.	ICFTU
6. Pakistan	1.All-Pakistan Confederation of Labour, founded in 1948	-	-
	2.Pakistan National Federation of Trade Unions, founded in 1963	-	ICFTU
	3.All-Pakistan Trade Union Council, founded in 1967	-	-
	4.National Progressive Workers' Federation, founded in 1971	-	-
	5.Pakistan Workers' Federation, founded in 1966	-	-
	6.United Workers' Federation, founded in 1970	-	-
	7.Pakistan Trade Union Federation, founded in 1970	-	-
	8.Pakistan National Workers' Federation of Trade Unions, founded in 1969	-	-
7. Singapore	National Trade Union Congress, founded in 1961	150 thous.	ICFTU
8. Philippines	1.Trade Union Council of the Philippines	-	ICFTU
	2.Trade Union Congress of the Philippines	-	-
	3.National Trade Union Association	25-30 thous.	WFTU
	4.Free Workers' Federation	-	WCL
	5.Association of Free Trade Unions	-	ICFTU
9. Sri Lanka	1.Ceylon Workers' Congress, founded in 1936	170 thous.	ICFTU
	2.Trade Union Federation, founded in 1940	120 thous.	WFTU
	3.Federation of Labour, founded in 1939	200 thous.	Autonom.

## منابع استفاده شده

- ۱- و. ای. لنین، آثار، جلد ۴۴.
- ۲- طبقه کارگر درکشورهای آسیا و آفریقا، مسکو، ۱۹۶۶، به روسی.
- ۳- جنبش کارگران در کشورهای آسیا و شمال آفریقا، مسکو، ۱۹۶۹ به روسی.
- ۴- جنبش بین‌المللی کارگران، مسکو، ۱۹۷۰-۱۹۷۱، به روسی.
- ۵- جنبش سندیکائی در خارج، قسمت دوم، مسکو، ۱۹۷۱، به روسی.
- ۶- سندیکاها درکشورهای آسیای جنوبی، مسکو، ۱۹۶۷، به روسی.
- ۷- مبارزه طبقاتی و سندیکاها، مسکو، ۱۹۷۱، به روسی.
- ۸- خلاصه اخبار فدراسیون جهانی سندیکاها، ۱۹۷۰-۱۹۷۵ به روسی.
- ۹- جنبش جهانی سندیکائی ۱۹۶۸-۱۹۷۵، به روسی.
- ۱۰- ماهنامه اقتصاد و مناسبات بین‌المللی، ۱۹۷۰-۱۹۷۵.
- ۱۱- مجله طبقه کارگر و جهان معاصر، ۱۹۷۳-۱۹۷۵.
- ۱۲- مجله خلق‌های آسیا و آفریقا، ۱۹۷۰-۱۹۷۵.
- ۱۳- بخاطر مسئله بزرگ طبقه کارگر، مسکو، ۱۹۷۰، به روسی.
- ۱۴- و. باتیشف، فدراسیون‌های بین‌المللی سندیکائی، مسکو، ۱۹۶۱، به روسی.
- ۱۵- و. باولووسکی، امنیت جمعی در آسیا، مسکو، ۱۹۷۴، به روسی.
- ۱۶- طبقه کارگر و مبارزه ضدانحصاری، مسکو ۱۹۶۹، به روسی.

- ۱۷- هفتمین کنگره سندیکائی جهانی، بوداپست، ۱۹۶۹، به روسی.
- ۱۸- هشتمین کنگره جهانی سندیکائی، وارنا، ۱۹۷۳، به بلغاری.
- ۱۹- گردهمائی بین‌المللی احزاب کمونیستی و کارگری، گردآوری، مسکو، ۱۹۶۹، به روسی.
- ۲۰- ن. کوالسکی، ی. آرکاداسکی، جنبش کارگری بین‌المللی در مرحله معاصر، صوفیه، ۱۹۷۴، به بلغاری.
- ۲۱- ا. آکساندروف، آسیا، مبارزه و امید، صوفیه، ۱۹۷۳، به بلغاری.
- ۲۲- س. ماشکف، سیاست و تاکتیک‌های احزاب کمونیست در کشورهای در حال توسعه آسیا و آفریقا، صوفیه، ۱۹۷۲، به بلغاری.
- ۲۳- طبقات و مبارزه طبقاتی در کشورهای در حال توسعه، صوفیه، ۱۹۷۰، به بلغاری.
- ۲۴- بررسی مارکسیستی جهان، ۱۹۷۰-۱۹۷۵.
- ۲۵- بولتن‌ها و اسناد شورای مرکزی سندیکا‌های بلغارستان.
- ۲۶- اقتصاد کشورهای خارجی، مسکو، ۱۹۷۲، به روسی.
- ۲۷- هند امروز، مسکو، ۱۹۷۲، به روسی.
- ۲۸- مشخصات ویژه تکامل اجتماعی - اقتصادی کشورهای جنوب شرقی آسیا و مسئله استقلال اقتصادی، مسکو، ۱۹۷۰، به بلغاری.
- ۲۹- تشکیل طبقه کارگر در کشورهای آسیا و آفریقا، مسکو، ۱۹۷۱، به روسی.
- ۳۰- آسیا و آفریقای امروزه، نشریه اول، ۱۹۷۴، به روسی.
- ۳۱- زندگی بین‌المللی، نشریه ادواری، ۱۹۷۴.
- ۳۲- کوفمن، برمه، ایدئولوژی و سیاست، مسکو ۱۹۷۲، به بلغاری.
- ۳۳- مسئله وحدت و استقلال اندونزی (۱۹۶۵-۱۹۶۵)، مسکو، ۱۹۷۴، به روسی.
- ۳۴- سرمایه بزرگ و انحصارات در کشورهای آسیا، مسکو، ۱۹۷۰، به روسی.
- ۳۵- هند، یک مرجع سالانه، ۱۹۶۵، به انگلیسی.



- ۳۶- بولتن آمار کار ۱۹۶۵-۱۹۷۲، به انگلیسی.
- ۳۷- اداره کار بین‌المللی، ژنو، ۱۹۷۲، به انگلیسی.
- ۳۸- کتاب سال آمار کار (۱۹۷۰-۱۹۷۲)، به انگلیسی.
- ۳۹- سازمان کار بین‌المللی، ژنو، ۱۹۷۱، به انگلیسی.
- ۴۰- بررسی کار بین‌المللی، ۱۹۶۶، به انگلیسی.
- ۴۱- کتاب سال سازمان‌های بین‌المللی (۱۹۷۰-۱۹۷۳)، به انگلیسی.
- ۴۲- فدراسیون‌های سندیکاها، مستقل، دهلی، ۱۹۶۶، به انگلیسی.
- ۴۳- گ. میردال، درام آسیا، نیویورک، ۱۹۶۸، به انگلیسی.

انتشارات  
ابوریدات



Abou reyhan v  
Publication